

# رزمندگان انقلاب در دفاع از میهن انقلابی حماسه آفریدند

بدون تردید ، این پیروزی پس از شکست محاصره آبادان ، در اقلای تبلیغات صدام - تضعیف موقعیت ارتش تجاوزگر و تقویت مواضع و روحیه مدافعان انقلاب ، نقش مهمی دارد .

در صفحه ۴



**کردستان  
بازتاب  
دوستانیت**  
در صفحه ۱۰

## انقلاب - اختلاف

### چیره می شود . چگونه ؟

در یک ماهه اخیر تقریباً همه مقامات طراز اول جمهوری اسلامی ایران درباره عفریت شوم و مرموز اختلاف " صحبت کرده اند و به مردم و به مقامات هشدار داده اند که نگذارند که این عفریت شوم آنها را از یکدیگر جدا کند و رو در روی یکدیگر قرار دهد .  
امام خمینی و به پیروی از ایشان آیت الله منتظری چند بار در خلال همین مدت مردم و مسئولین را بیدار کرده اند که از اختلاف و گروه گرایی بپرهیزند و مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را فوق مصالح و منافع شخصی و گروهی قرار دهند . روزنامه جمهوری اسلامی نیز در هفته گذشته در سرمقاله های متوالی زیر عنوان " ما را چه می شود ؟ " به همین مساله پرداخته است . میلیون ها مردم زحمتکش ما که بار اصلی انقلاب و تمام زحمات آن را بر دوش دارند ، عمیقاً نگران آنند که نکنند در میان دولت مردان و میان صفوف مردم اختلافات ، تشدید شود و این انقلاب علیرغم این همه زحمتی که پای آن می کشیم به ثمر نرسانند ؟  
و واقعا بر عهده همه ماست که هرچه به فکرمان می رسد برای حفظ وحدت و ...  
در صفحه ۲

## رژه بسیج مستضعفین

### قلب آمریکا را لرزاند!

زحمتکشان پیر و جوان و پیشاپیش آنها کارگران . همگی سلاح بر دوش با نظمی شوق آفرین بر خیابان های پای می گویند ، پرچم آمریکا را لگدمال می کردند و پرخروش فریاد می زدند " مرگ بر آمریکا " !  
و زحمتکشان گرد آمده در پیاده روها با بالا بردن مشت های خود به علامت پیروزی پاسخ آنها را چنین می دادند :

" ارتش بیست میلیونی بازوی انقلاب است "

در صفحه ۲

## شکست کنفرانس فاس

### و ضرورت هماهنگی نیروهای انقلاب در منطقه

طرح کمپ دیوید در هدف امپریالیستی هماهنگ ساختن و متحد کردن ارتجاع منطقه شکست خورده بود و اینک امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به این مهم ، طرح فهد را بر زمین زده است .

موضع جمهوری اسلامی ایران در جوهر و ماهیت خود با موضع کشورهای جبهه پایداری هماهنگ بود .  
در صفحه ۱۷

۱۲ آذر دومین سالروز تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی را اجرا کنید

و آنرا به پرچم وحدت خلق بدل سازیم

در صفحه ۵

اتحاد شوروی از مبارزه

آزادبخش مسلمانان جهان

پشتیبانی می کند

در صفحه ۱۳

## متحد شوید !

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

### بقیه از صفحه ۱ انقلاب بر اختلاف چیزه می شود. چگونه؟

...یکپارچگی نیروهای مدافع انقلاب و تعالی جمهوری اسلامی ایران بگویم و انجام دهیم. همه باید فکر کنیم که ریشه‌ها راه‌حل‌ها و عوامل تشدیدکننده اختلاف در صفوف خلق کدام است؟ ما باید از تمام تجارب تاریخی در این زمینه درس بگیریم.

### مرگ پرشاه

زمانی که شاه مدفون بر سر کار بود همه نیروهای اصیل انقلابی و توده‌های دهها میلیونی زحمتکش شهر و روستا به رهبری امام خمینی همه یک صدا می‌گفتند "شاه باید برود و رژیم سلطنت برچیده شود" عده‌ای هم، سرمایه‌دار لیبرال و سازشکار، دلالت‌صفتانه می‌خواستند بین شاه و ملت آشتی‌کنان راه بیاندازند. آنها طرفین رادعوت می‌کردند که هرکدام قدری کوتاه بیایند! شاه سلطنت کند و حکومت به دست لیبرال‌ها بیافتد و مردم هم به این رضا دهند و چیز بیشتری نخواهند و دیگر به امپریالیسم و نظم طاغوتی سرمایه‌داری کاری نداشته باشند. این اختلاف یک اختلاف بسیار اساسی و جدی بود.

در آن زمان کسی با جنبش بود که می‌گفت "مرگ پر شاه" مردم یک‌صدا می‌گفتند "بگو مرگ پر شاه" لیبرال‌ها این شعار را قورت می‌دادند و در دل می‌گفتند "نگویید مرگ پر شاه این شعار کمونیست‌هاست" اگر کسی قبل از انقلاب از بیرون به جنبش نگاه می‌کرد اول از همه سه جریان را از هم تمییز می‌داد:

۱- دسته درباریان، سران ارتش، ساواکی‌ها و از این قبیل که می‌گفتند رژیم آریامهری بهترین رژیم‌هاست.

۲- دسته لیبرال‌های جبهه ملی و نهضت‌آزادی و برخی از مراجع که مشروطه‌خواه بودند.

۳- همه نیروهای مردمی و انقلابی به رهبری امام خمینی و به پشتیبانی توده‌های وسیع خلق که می‌گفتند "شاه و سلطنت هردو بروند" آنچه که برای ما بسیار آموزنده است آن است که بخاطر بی‌اورییم که وضع اینطور نبود که این‌سه دسته بین خودشان هیچ اختلافی نداشته باشند. شاه با اطرافیانش و اطرافیانش با یکدیگر نوری سر هم می‌زدند. بین لیبرال‌ها هم اختلاف بود. جبهه ملی یک چیز بود نهضت‌آزادی چیز دیگری یکی مذهبی بود و دیگری غیرمذهبی. در جبهه ملی هم دسته‌های مختلف بودند، نهضت‌آزادی هم چند جناح داشت و هردو با بسیاری از مراجع مشروطه‌خواه

در صف نیروهای انقلابی هم همه یک‌جور نبودند در آنجا هم تنوع عقاید و نظرات بسیار بارز بود. دسته‌های نیروها، مذهبی و دسته‌های دیگر سازمان‌های اجتماعی سیاسی بودند و مذهبی شناخته نمی‌شدند. گروهی سنی بودند گروهی شیعه و گروهی نیز اصلا مسلمان نبودند. گروهی تندتر می‌رفت و گروهی کندتر، یک دسته می‌گفت باید رژیم را از طریق مبارزه مسلحانه سرنگون کنیم و این‌تنهاراه است و گروهی دیگر می‌گفت با مشت هم می‌توان به مقصود رسید. و قس علی‌هذا.

اما علیرغم تمام اختلافات و چندگانگی‌ها و جدا از اینکه هرکس چه برداشتی داشته باشد و چگونه جریان‌های سیاسی را کنار هم بچیند واقعیت این بود که هرکس با هر عقیده و مرام و

نظری که داشت سرانجام یا با دسته اول بود یا با دسته دوم و یا با دسته سوم. این دسته‌بندی خارج از میل و اراده موجود داشت. زیرا مسئله اصلی انقلاب برانداختن شاه و برچیدن سلطنت بود. و همه کسانی که این شعار را می‌دادند باهم بودند. خواه مارکسیست باشند یا نباشند. خواه مسلمان باشند یا نباشند. خواه با مشت مبارزه کنند یا با مسلسل.

بعضی‌ها فکر کرده یا فکر نکرده این واقعیت را لجاجت‌انگار می‌کردند بعضی از عناصر مذهبی می‌گفتند فقط مسلمان‌ها با ما هستند. فقط سازمان‌ها و نهضت‌های اسلامی با ما هستند و هر سازمانی که اسلامی نباشد ضداسلامی است و "دشمن ماست". بعضی از آنها حتی وقیحانه اینطور وانمود می‌کردند که سازمان فدائیان با سازمان امنیت فرقی ندارد و اینکه ساواک صدها نفر از فدائیان را زیر شکنجه و در خیابان و در زندان به شهادت رسانیده است و اینکه فدائیان ساواکی‌های جلاد و دیگر دژخیمان رژیم را یکی یکی اعدام می‌کنند هم‌برای "ظاهر سازی" است چون که هیچ‌کدام از آنها سازمان‌های "اسلامی" نیستند! اما، امروز اکثر مردم فهمیده‌اند که قصد کسانی که آگاهانه این حرف‌ها را می‌زدند چه بوده است؟ گذشت زمان و تجربه نشان داد که آنها دو هدف را دنبال می‌کردند: هدف اول آنها از این حرف‌ها آن بود که بین نیروهای انقلابی مسلمان و دیگر نیروهای انقلابی تفرقه بیاندازند. انقلابیون مسلمان را نسبت به هواداران سازمان بدبین و هواداران سازمان را که سرخستی و آشتی‌ناپذیری‌شان در برخورد با رژیم شاه و صداقت انقلابی آنان نسبت به توده‌های خلق هر روز شگفته‌تر می‌شد از ادامه پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی منصرف سازند. هدف دوم آنها از این حرف‌ها این بود که راه را برای لیبرال‌های سازشکار اسلام‌پناه امثال نهضت‌آزادی باز کنند، که مائوئیست‌های از فرنگ برگشته تازه مسلمان شده‌ای چون دفتر هماهنگی را در بالاترین پست‌های حساس بگمارند که عناصر و دستجات مشکوک از قبیل انجمن حجیتیه (که سالها زیر نظارت ساواک به منحرف کردن مبارزه عناصر صادق مذهبی مشغول بوده‌است) را در میان خیل نیروهای سالم و صدیق انقلابی جابزنند و همه آنها را برای روز مبادا حفظ کنند.

از سوی دیگر در همان روزهایی که مردم برای سرنگونی رژیم شاه مبارزه می‌کردند، عده‌ای مائوئیست "چپ‌نما" و "چپ‌رو" که مارکسیسم بدلی را به جای مارکسیسم واقعی می‌فروختند، اینطور تبلیغ می‌کردند که گویا فقط "مارکسیست"‌ها انقلابی هستند و می‌خواهند انقلاب شود. آنها می‌گفتند نباید به دیگران اعتماد کرد آنها تظاهرات میلیونی مردم را "تحریم" می‌کردند. آنها صف خود را از دیگران جدا می‌کردند. آنها تلاش می‌کردند که مردم خیال کنند "مارکسیست‌های واقعی" در انقلاب با مسلمانان انقلابی نیستند. "چپ‌های آمریکایی" با علم کردن این شعار که کمونیست‌ها در انقلاب نباید زیر بار رهبری امام بروند تمام سعی خود را بکار می‌بردند تا مسلمانان انقلابی را به مبارزه ضد کمونیستی بکشانند و جوانان "چپ‌رو" را هم علیه نیروهای صدیق مذهبی بشورانند و بدین ترتیب شاه و سلطنت فراموش شود، بین مردم تفرقه بیافتد و انقلاب شکست بخورد.

تمام بوق‌های تبلیغاتی امپریالیستی نیز در خدمت همین نقشه‌ها بود آنها نیز شب و روز مردم را به اصطلاح از "خطر کمونیست‌ها" می‌ترساندند. آنها مدام داد می‌زدند مسلمانان انقلابی در واقع همان کمونیست‌ها هستند. آنها می‌خواستند بدین وسیله از یک طرف نیروها را به جان هم بیاندازند و از طرف

### مرگ بر آمریکا

اما با رفتن شاه مبارزه مردم پایان نیافت و طبعاً نیز نمی‌توانست پایان یابد. مردم همه می‌گفتند "بعد از شاه نوبت آمریکاست" و باید دست آمریکا از ایران کوتاه شود. پیچ‌های خفته کم‌کم اوج می‌گرفت و مرگ بر آمریکا بر سر زبان‌های افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که در ایران به قول امام "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" آغاز شد و مبارزه ضد امپریالیستی حدت یافت لانه جاسوسی آمریکا تسخیر شد. در ایمن دوره هم باز خروش دشمن‌شکن توده‌های دهها میلیونی به رهبری امام خمینی پیام انقلاب را به گوش جهانیان می‌رسانید که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند! ما با آمریکای جنایتکار و همه اذنان خونخوارش در جنگیم! مرگ بر آمریکا! هرکس واقعا انقلابی بود پشتیبان همین خط بود. اما وقتی از بیرون به چشم‌انداز این مبارزه نگاه می‌کردیم این بار هم سه جریان تشخیص می‌دادیم:

۱- سلطنت‌طلبان شکست‌خورده به علاوه بخش مهمی از همان لیبرال‌های وابسته به جبهه ملی و نهضت‌آزادی و دیگران که به سلطنت‌طلبان پیوسته و خیانت کرده بودند. آنها به این مبارزه دشنام می‌گفتند و هرچه جنجال داشتند برپا کردند که جلوی آن را بگیرند.

۲- مائوئیست‌های مسلمان‌نما و دار و دسته بنی‌صدر و بقیه لیبرال‌های سازشکار که خواهان سازش با آمریکا از طریق اروپا و ژاپن بودند و رندانه تلاش می‌کردند که وضعی پیش نیاید که راه به روی همه امپریالیست‌ها بسته شود.

۳- همه نیروهای انقلابی و مردمی به رهبری امام خمینی که خواهان بیرون کردن آمریکا و همه اذنان‌بش بودند.

در این مبارزه هم، در هر یک از سه جریان نیروهای مختلفی شرکت داشتند. آنها در برخی مسائل با یکدیگر اختلاف نظر داشتند اما همگی در عمل در صحنه مبارزه انقلابی مشخصا در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و یک شعار می‌دادند.

در ایمن دوره که پیچیده‌ترین اوضاع را داشته‌ایم دسته دوم مودیان‌ترین حقه‌ها را بکار گرفت که مبارزه ضد امپریالیستی پیش نرود و گور آمریکا و اذنان‌بش از ایران کنده نشود. از مهمترین حقه‌های آنها این بود که تمام تلاش خود را بکار گیرند که شوروی را هم در کنار آمریکا قرار دهند و بکوبند و اینطور وانمود کنند که شوروی هم "دشمن ماست". آنها در تظاهرات، مردم را و می‌داشتند که برای رضایت خاطر امپریالیسم آمریکا "مرگ بر شوروی" بگویند و کشوری را دشنام دهند که کسه هم‌سواره نیرومندان از انقلاب ما پشتیبانی کرده است.

این همان توطئه‌ای بود که امام آن را افشاء کرد و گفت آنها شوروی را طرح می‌کردند که آمریکا منسی بشود. آنها به علاوه تمام سعی خود را بکار بردند که جای مبارزه ضد امپریالیستی را چیزی به نام مبارزه ضد جفا‌قاداری بگیرد. آنها وانمود می‌کردند دشمن اصلی انقلاب، چماق است و باید بجای آمریکا هدف حمله همه مردم باشد. اکنون روشن‌تر می‌توان فهمید که چگونه رجوی خائن با بنی‌صدر خائن روی هم بقیه در صفحه ۳

### بقیه از صفحه ۲ امپریالیسم حکومت کنند ؟ ۲ - آیا طرفداران سازش و مداخلات با برخی یا همه امپریالیست‌ها سرکار باشند ؟ ۳ - و یا حکومت دست‌کسانی بیافند که می‌کوشند مبارزه علیه امپریالیسم جهانی - بسرکردگی امریکای جنایتکار را تا به آخر ادامه دهند ؟ این تقسیم‌بندی رمز و راز اختلاف اصلی و اصولی را که بین خط سازش و خط قاطع ضد امپریالیستی وجود داشت را بر ما می‌گشاید و مشت کسانی را باز می‌کند که با شعیده بازی و شیادی می‌کوشیدند اختلافات را بر سر مسائل دیگری جلوه دهند . چه خوش گفت که :

سازي چرخ بشکندش بيضه در کلاه  
آنکس که عرض شعیده با اهل راز کرد

وقتی چرخ انقلاب با تمام عظمتش به نیروی توده‌های دهها میلیونی مردم انقلابی و پیکارجوی ما شتاب گرفت ، شعیده بازی و شارلاتانی بازی‌های بنی‌صدرجوی‌خائن و همه حقه‌بازهایی که مانع سمت‌گیری قاطع ضد امپریالیستی انقلاب بودند را درهم شکست . انقلاب یک گام پیش رفت و همه فهمیدند که موضوع اصلی اختلاف بر سر چه بود . نطق حجت الاسلام خوئینی‌ها در مجلس در مورد عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر به شیواترین صورت ممکن ، از اختلافات میان خط امام و مخالفین آن را برملاء کرد . بنی‌صدر و رجوی و جبهه‌مندی و بسیاری از مائوئیست‌های امریکایی دربر شدند ، و همراه با بخش عمده کسانی که زیر علم آنها رفته بودند به ضد انقلاب پیوستند و عده‌ای هم ماندند که ببینند بعداً چه باید بکنند .

### اکنون اختلاف اصلی بر سر چیست ؟

آهسته آهسته آشکار می‌شود که هنوز مبارزه برای اینکه انقلاب به کدام سمت برود تمام نشده است . هنوز کسانی می‌خواهند این شط‌خروشان انقلاب را به سوی مرداب بکشانند و نگذارند به مقصد اصلی‌اش که پیوستن به دریای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی است دست یابد .

امروز هم وقتی از بیرون به منظره عمومی مبارزه‌ای که در دل جامعه‌مان بین جریان‌های مختلف اجتماعی جریان دارد می‌نگریم ، انبوه اختلافات ریز و درشتی را می‌بینیم که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند لاکن با کمی دقت می‌توانیم بفهمیم که سوازی ادعای اشخاص باز هم سه جریان اصلی در صحنه‌اند - یکی رو در روی انقلاب ایستاده است ، دیگری می‌خواهد آن را بازهم بیشتر به سوی سمرنزل مقصوده سه سوی پیوستن به دریای موعود پیش براند ، بالاخره آنکه هنوز تکلیف خود را با این دو روشن نکرده و در میانه نوسان می‌کند . همه نیروها علیرغم اختلافاتی که هریک میان خود دارند ولی در آن منظره عمومی در یکی از این سه جبهه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند . اما برآستی در این مرحله موضوع اصلی و شعار اصلی چیست ؟ کدام شعار و کدام مسئله است که ما به کمک آن می‌توانیم بفهمیم نیروهای انقلابی قاطع کدامند ؟ بینابینی‌ها چه کسانی هستند ؟ و دشمنان و به دشمن پیوستگان کدامند ؟ هدف مرحله اول انقلاب شکست همه مدافعان شاهنشاهی و تشییت خصلت ضد استبدادی حکومت بود . هدف مرحله دوم انقلاب بیرون‌ریختن همه طرفداران و مدافعان سازش و تسلیم در برابر امپریالیسم و تشییت خصلت ضد امپریالیستی حکومت بود . در این دوره هدف چیست ؟ اگر موضوع اصلی را تشخیص ندهیم آنگاه مثل دفعه قبلاً با حقیابازی و شهادی خواهند کوشید که شعارها را تغییر دهند

و جریان انقلاب را تغییر دهند . امروز همه از خطر بروز اختلاف در میان نیروهایی صحبت می‌کنند که تا امروز در یک جبهه بوده‌اند ، و هریک نیز راه‌حلهایی برای حل این اختلافات ارائه می‌دهند .

به اعتقاد ما وینا به تمام شواهد قطع نظر از ادعای اشخاص در این مرحله مساله اصلی این است که آیا همه غارتگران توده محروم ، سرمایه‌دارهای بزرگ و زمین‌داران بزرگ سرجای خود باشند و بنیاد و نظام طاغورانی بهم بخورد یا برای اینکه روزنه‌ای به سوی عدالت اجتماعی بگشاییم ، باید جلساتی این غارتگری‌ها را بگیریم و کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را براندازیم ؟ این مساله مساله اصلی و مرکزی انقلاب ماست ، در این دوره ، در عمل و در واقعیت همه نیروهای اجتماعی بسته به جایگاه خود نسبت به این موضوع موضع‌گیری می‌کنند .

واقعیت این است که همه نیروهایی که تا امروز با انقلاب بوده‌اند همه یک جور نیستند . تنوع و گوناگونی نظرات نسبت به مسائل عقیدتی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ر اخلاقی پدیده‌های بسیار طبیعی و برخاسته از ذات هر انقلاب و منجمله این انقلاب است . این تنوع و گوناگونی می‌تواند وجود داشته باشد و به وحدت صفوف نیروهای مدافع انقلاب لطمه نزند . اما تنها به یک شرط . به این شرط که همه آنها نسبت به مساله مرکزی و اصلی که رویاروی انقلاب قرار گرفته است وحدت نظر داشته باشند سرمقاله‌های هفته گذشته روزنامه جمهوری اسلامی و توصیه‌های مکرر مسئولان جمهوری اسلامی حاوی نکات مثبتی برای حفظ وحدت نیروهایی است که این انقلاب به یاری آنها به اینجا رسیده است . این سرمقاله‌ها و توصیه‌ها همگان را فرا می‌خواند که از آفت گروه‌گرایی و گروه‌زدگی بپرهیزند . بایکدیگر بیشتر مشورت کنند و بکوشند با تفاهم ، اختلافات رارفع کنند . به شایعه‌پراکنی‌های دشمنان توجه نکنند و اعتماد متقابل را تحکیم کنند .

اینها همه توصیه‌های بسیار مفیدی است و قطعاً موثر خواهد افتاد وقتی که همه آنها نسبت به اساسی‌ترین مسائل انقلاب وحدت نظر داشته باشند و هریک در آن مورد موضع روشنی اتخاذ کرده باشند .

اگر بخواهیم صفوف نیروهای مدافع انقلاب را هرچه مستحکم‌تر سازیم ، از کجا باید آغاز کنیم ؟ شرط مقدم انجام درست این کار شناخت ملاکی است که روشن می‌کند چه کسانی دوست انقلاب هستند و چه کسانی دشمن آن ؟ و برای تشخیص درست این مهم باید ببینیم چه کسانی دوست اهداف اساسی انقلابند و چه کسانی دشمن آن . استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی اهداف اساسی انقلاب و شعارهای بنیادین جمهوری اسلامی ایران بوده و هست . امروز کسانی دوست ما هستند که قطع نظر از هر فکر و عقیده‌ای که دارند به این شعارها پای‌بند باشند و در راه تحقق آن مبارزه کنند . امروز برای با انقلاب بودن مخالفت کلی با سلطه امپریالیسم جهانی و مخالفت با رژیم استبدادی ضد دموکراتیک به تنهایی کافی نیست . باید علاوه بر این در این عرصه پیکار ، هرکس موضع خود را روشن کند که طرفدار مردم محروم ، پابرهنگ و زحمتکش جامعه است یا طرفدار کاخ‌نشین‌هایی که یک عمر مردم را چاپیده‌اند و جز عیاشی و خوشگذرانی و خیانت به مردم و میهنشان هیچ غلطی نکرده‌اند .

امروز متأسفانه عناصر و نیروهایی که در عمل به هیچ‌وجه نمی‌خواهند انقلاب علیه سرمایه‌داران و به نفع کارگران و زحمتکشان کاری بکنند در

### رزمندگان انقلاب در دفاع از میهن انقلابی حماسه آفریدند

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در دفاع قهرمانانه خویش از میهن انقلابی حماسه‌ای نو آفریدند. در ساعت ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب روز یکشنبه ۸ آذر ماه نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، نیروی زمینی و هوایی در منطقه شمال رودخانه کرخه، در غرب سونگرد عملیات وسیعی را علیه تجاوزگران آغاز کردند. این عملیات قهرمانانه و هماهنگ به سرعت دشمن متجاوز را در مناطق سویدانی، دهلاویه و بخش شمالی شحیطه نار و مار ساخت و در ادامه خود شهر مرزی بستان را که ۴۷۲ روز در اشغال نیروهای تجاوزگر صدام بود آزاد ساخت. مدافعان رزمنده انقلاب ایران که تهاجم خود را از یک طرف به سوی شمال منطقه (ارتفاعات الله اکبر) و از طرف دیگر به سوی جنوب رودخانه کرخه آغاز کرده بودند، در حوالی ظهر روز یکشنبه موفق شدند لشکر یازده عراق را دور زده و شهر بستان را آزاد کنند. در این عملیات که دومین

پیروزی بزرگ ایران از آغاز جنگ تاکنون بود، لشکر ۱۱ صدام متلاشی شد و بابه جای گذاشتن بیش از یک هزار اسیر و صدها زخمی و مقادیر زیادی جنگ افزار مفتضاحه عقب نشست بر اساس گزارش‌های رسیده تنها بخش‌های کوچکی از بقایای این لشکر توانستند به شهر العماره در عراق فرار کنند.

بنابراین به گزارش‌های رسانه‌های گروهی در این عملیات نزدیک به ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن از متجاوزان پاکسازی شده است. همراه با شهر بستان ۷۰ روستای ایران آزاد شده و برای نخستین بار از آغاز جنگ تاکنون نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان به سرز رسیده‌اند.

این پیروزی بزرگ که به همت انقلابی هزاران رزمنده جان بر کف انقلاب بدست آمده و خود سراغاز پیروزی‌های عظیم تر میهن

انقلابی ما در نبرد عادلانه خویش علیه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع تجاوزگر منطقه است، در زمانی اتفاق می افتد که تمامی نیروهای ارتجاعی و در رأس همه امپریالیسم آمریکا مذبوحانه می‌کشند از یک سو ارتش متجاوز صدام را تقویت نکنند و از سوی دیگر با گسترش اقدامات جنایتکارانه تروریستی و تخریبی در داخل، پشت جبهه نیروهای مدافع انقلاب را تضعیف نمایند. بدون شک این پیروزی که به دنبال شکست محاصره آبادان اتفاق می‌افتد تاثرات مهمی در افشای تبلیغات یوشالی صدام، تضعیف موقعیت کلی ارتش تجاوزگر و تقویت مواضع روحیه مدافعان انقلاب دربی خواهد داشت.

این پیروزی و پیروزی‌های بزرگتر آینده که سرانجام به شکست کامل تجاوزگران خواهد انجامید خود نتیجه پانزده ماه مقاومت دلیرانه خلق ما در جبهه‌ها و پشت

سالمک سرپرست واحد بسیج مستضعفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را شنیدند و آنگاه قطعنامه‌ای صادر کردند در این قطعنامه، بار دیگر بر روی نقش عظیم امام خمینی در رهبری انقلاب تکیه شد از جنبش‌های آزادیبخش و توده‌های محروم جهان پشتیبانی بعمل آمد و بر حضور دائمی مردم به مثابه شرط مهم حفظ انقلاب تاکید گردید. زحمتکشان مسلح بسیجی بار دیگر با آتش زدن پرچم آمریکا، مراسم پرشکوه خود را به پایان رساندند.

\* \* \* بسیج مستضعفین که تاکنون توانسته بیش از دو میلیون نفر را تحت پوشش سازماندهی و آموزش نظامی قرار دهد، در دو سال گذشته نقش مهمی در دفاع از دستاوردهای انقلاب و خنثی ساختن توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امریکای جنایتکار ایفاء کرده و شهیدان بسیاری را نیز تقدیم مردم قهرمان و بیخاسته ایران کرده است اما بسیج مستضعفین هنوز باید که با ارائه

برنامه‌های متناسب آموزش سیاسی و نظامی را در سطح وسیع‌ترین اقشار مردم پیاده کرده و این نیروی عظیم را بیش از پیش متشکل سازد. امروز شرط اساسی برای سازمان‌دادن هرچه وسیع‌تر توده‌های میلیونی حاضر در صحنه سازماندهی توده‌ها برای تسخیر پایگاه اقتصادی امپریالیسم و غلبه بر تروریسم اقتصادی این منشاء اصلی و تغذیه‌کننده تروریسم سیاسی است. شرط ارتقاء بسیج مستضعفین به یک نهاد فراگیر توده‌ای سازماندهی توده‌ها در جهت آمیج‌های انقلابی و ضدامپریالیستی و مردمی ایران است.

سازمان ما ضمن گرامیداشت دومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفین برای این نهاد مردمی در پیشبرد اهداف بزرگ انقلابی و ضدامپریالیستی و مردمی مان آرزوی موفقیت کرده و به همه افراد سازمان یافته در آن که با تلاش شبانه‌روزی در کار دفاع از انقلاب هستند، صمیمانه درود می‌فرستد.

### رژه بسیج مستضعفین

### قلب آمریکا را لرزاند!

گرد آمده در پیاده‌روها بالا بردن مشت‌های خود به علامت پیروزی پاسخ آنها را چنین می‌دادند:

" ارتش بیست میلیونی با زاری انقلاب است

واحدهای مقاومت بسیج مستضعفین تهران در فاصله بین مرکز جاسوسی سابق آمریکا و دانشگاه تهران بارها پرچم آمریکا را به آتش کشیدند در این لحظات سرود پرشکوه "مرگ بر آمریکا" فضای شهر را عطر آگین کرده بود

دلاوران مسلح خلق، آنگاه در دانشگاه تهران گرد آمدند و پس از گوش‌فرآ دادن به پیام رئیس جمهور که حاوی رهنمون‌های مفید و موثری برای گسترش و عمیق بسیج مستضعفین بود سخنانی حجت‌الاسلام

بیست میلیونی آماده قیام است و ... سروده شده بود همراهی می‌شد. در کنار تصاویر بزرگی از امام خمینی، پلاکاردهای دیده می‌شد که بر روی آنها جملات کوبنده‌ای که حاکی از عزم سترگ خلق ما در حفظ و ادامه انقلاب است نوشته شده بود:

" ما باید همه قوایمان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشور" (امام خمینی)

" ارتش بیست میلیونی حافظ انقلاب است" و ... زحمتکشان پیر و جوان و پیشاپیش آنها کارگران همگی سلاح بر دوش با نظمی شوق‌آفرین بر خیابان‌ها می‌کوبیدند، پرچم آمریکا را لگدمال می‌کردند و برخوردش فریاد می‌زدند "مرگ بر آمریکا! و زحمتکشان

" انقلابی که بر دوش توده متشکل جامعه قرار داشته باشد، زوال‌پذیر نیست!"

( از پیام رئیس‌جمهور به مناسبت سالروز بسیج )

روز پنج آذرماه به مناسبت دومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفین، کارگران، زحمتکشان مسلح، مرگ بر آمریکاگویان در سراسر ایران با خاسته‌مان رژه رفتند و قدرت رزمجویانه ارتش بیست میلیونی را به نمایش گذاشتند. در تهران مراسم رژه از شکوه بیشتری برخوردار بود. رژه رزمندگان مسلح خلق با سرود خشم‌توفنده مردم که بندبند آن از شعارهای چون "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر اسرائیل" و " آمریکا، آمریکا، این آخرین پیام است ارتش

## مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

به مناسبت ۱۲ آذر دومین سالروز تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

# قانون اساسی را اجرا کنید و آنرا به پرچم وحدت خلق بدل سازیم

۱۲ آذر دومین سالروز تصویب قانون اساسی به وسیله مردم ایران است تصویب قانون اساسی توسط مردم یکی از بزرگترین پیروزی‌های انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم جهانی، ضدانقلاب داخلی و سازشکاران و تسلیم طلبانی است که می‌کوشیدند و می‌کوشند انقلاب را با شکست مواجه سازند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خونبهای دهها هزار شهید و نمره تلاش و جاننازی تمامی مردم زحمتکش میهنمان در جهت کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است. این قانون علیرغم ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در آن، دربرگیرنده آماج‌های اساسی انقلاب شکوهمندمان بوده و به آن رسمیت و قانونیت بخشیده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محصول گرانبهای مبارزه با امپریالیسم و سازشکاران

پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه، دو گرایش موجود در انقلاب ایران آشکارتر از پیش در برابر هم ایستادند. مسئله راه پیشرفت بعدی جامعه ایران یعنی ادامه انقلاب تا نابودی کامل همه پایگاه‌های امپریالیسم و یا اعلام "ختم انقلاب" و سوق دادن آن به سوی سازش با امپریالیسم آمریکا محتوی و مضمون این مبارزه را تعیین می‌کرد. نیروهای انقلابی پیرو و مدافع خط امام خمینی به دفاع از راه اول برخاستند و لیبرالها با پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای غلبه راه دوم تلاش وسیعی را آغاز کردند. چگونگی ماهیت و مضمون قانون اساسی که می‌باید پایه و اساس جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، به یکی از میدان‌های اصلی نبرد بین دوگرایش تبدیل شد.

لیبرالها و در پشت آنان امپریالیسم آمریکا بر آن بودند که قانون اساسی را به تصویب رسانند که منافع غارتگران امپریالیسم آمریکا در ایران را محفوظ داشته و نظام سرمایه‌داری را مشروعیت بخشد، و ماهیتا همان قانون اساسی شاهنشاهی باشد.

دولت موقت و اعضای آن که طیفی از سازشکاران لیبرال تا جاسوسان آمریکایی و وابستگان رژیم پیشین را دربر می‌گرفت، همه مساعی و تلاش‌های خود را بکار گرفتند تا با استفاده از موقعیت و نفوذ خود در حاکمیت جمهوری اسلامی، قانون اساسی شاهنشاهی مدافع بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری در خدمت امپریالیسم آمریکا را به شکلی دیگر و با برخی اصلاحات بر مردم ایران تحمیل کنند. این تلاش با شکست مواجه شد و طرح اولیه قانون اساسی که مورد تأیید امام خمینی نیز قرار گرفت و به مجلس خبرگان رفت آن نبود که امپریالیسم آمریکا و لیبرالها می‌خواستند.

پس از آن بود که توطئه "کودتای سفید" از سوی جاسوسان آمریکایی نظیر امیرانتظام، زیر نظر کارشناسان سیا طراحی شده و دولت موقت مهندس بازرگان اجرای آن را برعهده گرفت. هدف این توطئه تنگین مشترک امپریالیسم

آمریکا و لیبرالها آن بود که با انحلال مجلس خبرگان مانع تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی شوند. این توطئه نیز بر اثر قاطعیت امام و نیروهای بیرو ایشان شکست خورد. مجلس خبرگان قانون اساسی را به تصویب رساند که علیرغم نارسایی‌هایی چند، در اساسی‌ترین جهاتش منعکس‌کننده آماج‌های انقلاب شکوهمند مردم ایران بود.

بدنبال چنین شکست‌هایی که بی در پیی نصیب خط سازش و آمریکای جنایتکار می‌شد، نیروهای جبهه سازش و شکست انقلاب توطئه تازه‌ای ساز کردند. این توطئه متوجه آن بود که نگذارد رفراندوم قانون اساسی برگزار شود و این قانون به تأیید میلیونی مردم برسد. درست در آستانه رفراندوم، برخی شهرهای آذربایجان به آشوب کشیده شد و در دیگر نقاط نیز اغتشاشاتی برپا گردید که با رهبری قاطع امام خمینی و شرکت رزمنده همه‌نیروهای پیرو خط امام و پشتیبان آن با شکست نیروهای سازش و امپریالیست‌های حامی آنان و پیروزی خلق پایان گرفت. توده‌های میلیونی خلق در صوفی متحد و پرسکوه تر ۱۲ آذرماه سال ۵۸ به پای صندوق‌ها رفتند و ۱۸ میلیون ایرانی مهر تأیید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کوبید.

قانون اساسی، قانونی در جهت تحقق خواست‌های عادلانه محرومان جامعه

با تصویب قانون اساسی، گرایش انقلابی رسمیت و قانونیت یافت. قانون اساسی راه آینده تکامل انقلاب ایران را برپایه آماج‌های اصلی این انقلاب هموار ساخت. استقلال ملی و رهایی از ستم امپریالیسم، تأمین حقوق و دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی مردم و برقراری عدالت اجتماعی و پایان دادن به غارتگری و چپاول بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری خمیرمایه اصلی و مضمون واقعی اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

جهت‌گیری مردمی خط امام، در اصول ۴۴ - ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی تجلی یافته است. بر پایه این اصول، انجام اصلاحات ارضی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی، استرداد اموال غارت‌شده به خلق محدودیت در مالکیت کنترل کامل جامعه بر منابع و ذخائر ملی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. این بخش از اصول قانون اساسی برای شکوفایی جمهوری اسلامی اهمیت حیاتی دارد و هرچه زودتر باید به اجرا درآید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد حقوق و آزادی‌های دمکراتیک مردم نیز دارای جهت‌گیری ترقیخواهانه است. این جهت‌گیری ترقی‌خواهانه در اصل، ۹، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۱۰۵ و قانون اساسی بازناب یافته و مورد تأکید قرار گرفته است.

برپایه این اصول حق تشکیل احزاب، و انجمن‌های صنفی و سیاسی برای تمام مردم به رسمیت شناخته می‌شود، تفتیش عقاید ممنوع است، شوراهای شهر و ده باید تشکیل گردد و نظارت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود به رسمیت شناخته می‌شود.

حقوق زنان کودکان، پیران و از کارافتادگان در این اصول تصریح شده است و...

اجرای قانون اساسی خواست مردم و نیروهای انقلاب

هرچند تصویب قانون اساسی دستاورد بزرگ خلق شمار می‌رود، ولی متأسفانه تاکنون در راه اجرای آن گام‌های اساسی برداشته نشده است. جبهه براندازی بسرگردگی آمریکای جنایتکار در راه اجرای قانون اساسی توطئه می‌کند. آنها همه امکانات و اهرم‌هایی را که هنوز در اختیار دارند، بکار می‌گیرند تا مانع اجرای قانون اساسی شوند. لیکن اشتباه است هرگاه تمام موانعی را که بر سر اجرای قانون اساسی وجود دارد در این نیروها خلاصه کنیم.

در درون خط امام نیروهایی وجود دارند که خود را متعهد به قانون نمی‌شناسند و از هرگونه پای‌بندی به قانون گریزانند. آنها دست به اعمال خلاف قانون زده و آشکارا قانون‌شکنی می‌کنند.

علاوه بر این، تفسیر خودسرانه‌ای از قانون اساسی صورت می‌گیرد که بر پایه آن، قوانین اجرایی به تصویب می‌رسد که با روح قانون اساسی فاصله دارد. پاره‌ای از مصوبات شورای نگهبان و تصویب لوائحی نظیر "لایحه احزاب" و "بازسازی نیروها" نمونه‌هایی است که کم و بیش هر هفته شاهد آن هستیم.

اکنون شکوفایی، رشد و پایداری جمهوری اسلامی ایران و پیروزی انقلاب در این مرحله بستگی به آن دارد که تا چه اندازه قانون اساسی به اجرا درآید. امام خمینی رهبر انقلاب درک درست این مسئله امسال را سال قانون اعلام کردند امام تاکنون و به مناسبت‌های مختلف بر ضرورت اجرای قانون اساسی تأکید کرده و قانون اساسی را "یکی از ثمرات عظیم بلکه بزرگترین ثمره جمهوری اسلامی" دانسته‌اند. لزوم اجرای قانون و تعهد عملی به آن بویژه در ماههای اخیر از سوی مقامات طراز اول جمهوری اسلامی نیز با تأکید فراوان مورد توجه قرار گرفته است.

در بیانیه مشترکی که اخیراً از طرف حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت اهمیت قانون اساسی و لزوم اجرای فوری آن حسی بیان شده است:

"یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران که برای تعیین معیارهای مورد بحث دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران ترسیم شده و اصول ضرور برای رسیدن به آماج‌های انقلاب یعنی استقلال آزادی و عدالت اجتماعی تا حد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه و اجرای بدون خدشه قانون



# شورای کارخانه بریجستون شیراز خواهان ملی شدن کامل کارخانه است

● کارخانه لاستیک سازی بریجستون شیراز، پیش از انقلاب با سرمایه مختلط ایران و ژاپن ( ۵۰ - ۵۰ ) شروع به کار کرد. در جریان انقلاب، بخشی از سهام ایرانی آن ملی گردید و به دنبال تعمیرات اساسی که در اثر مساعی کارکنان، در ابزارها و ادوات کارخانه صورت گرفت، تولید به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت ( ظرفیت تولید از ۲۲ تن در روز به ۳۰ تن در روز رسید ) شرکت ژاپنی بریجستون که با سرمایه‌ای معادل ۱۲۵ میلیون تومان کارش را آغاز کرده بود متجاوز از ۳۰۰ میلیون تومان تاکنون سود برده و علاوه بر آن ۲۰۰ میلیون تومان نیز طلبکار است که این مقدار نیز به حساب بدهی‌های شرکت، منظور شده است. هر چند طی دو ساله اخیر، این کارخانه هیچگونه ماده اولیه‌ای از ژاپن وارد نکرده، باوجود این، مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان به کمپانی بریجستون بدهکار شده است! از نمونه‌های غارت بی حساب این شرکت می توان بینه مبالغ هنگفت حق الامتیازها و سود اشاره کرد. تعداد زیادی از مهندسین ژاپنی با حقوق‌هایی بیش از ۴۰ هزار تومان مشغول کار بودند ولی اکنون کارخانه توسط کارکنان و مهندسین ایرانی اداره می شود. مواد اولیه کارخانه قبلا از ژاپن وارد می شد ولی مدتی است که از رومانی و نیز کشورهای پاکستان، مالزی بلژیک، و دانمارک تأمین می شود. تمام شواهد نشان می دهد که مناسبترین مطمئن ترین طریق تأمین مواد اولیه و تکنولوژی لازم این کارخانه، تأمین آن از کشورهای مترقی و دوست انقلاب ایران است. علاوه بر آن، امکان تهیه و ساختن برخی قطعات دستگاهها در داخل وجود دارد که مجموعاً زمینه‌های اولیه را جهت گام برداشتن در راه خودکفایی تولید و استقلال اقتصادی آن بوجود آورده است.

کارخانه بریجستون شیراز در تهران یک دفتر مرکزی دارد که در آن مدیرانی غیر

مسئول یا حقوق‌های کلان به جای کار، به ریخت و پاش در کارها مشغولند. به همین جهت نیز کارگران بارها خواستار محدود کردن دامنه فعالیت‌های دفتر مرکزی شده‌اند به مجموعه مشکلاتی

که ذکر آن رفت باید برخورد های غیرمسئولانه برخی از مدیران لیبرال کارخانه، عدم قاطعیت و جدیت وزارت صنایع و معادن در برخورد با این مدیران و بالاخره کم توجهی مسئولین به

## اخراج دسته جمعی کارگران زمزم (پسی) اقدامی قانون شکنانه و مخرب است

● شرکت سهامی زمزم (تولید کننده نوشابه‌هایی از قبیل پسی و ...) در گذشته متعلق به ثابت پاسال، از سرمایه داران بزرگ و ایسته به دربار بود که پس از پیروزی انقلاب صادره گردید و تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان قرار گرفت. در این کارخانجات، کارگران و زحمتکشان بسیاری اعم از مسلمان، مسیحی، کلیسی و بهایی و ... به یکسان توسط زالوهای چون ثابت پاسال و رژیم شاه استثمار می شدند. هرچند که خود ثابت پاسال نیز ظاهراً فردی مذهبی ( ! ) معتقد به بهائیت بود. اما از آنجا که "مذهب" سرمایه داران طلاست و منبع بهره کشی شان نیز کارکنانند، این مسئله که کارگران تحت استثمارشان چه عقیده و مذهبی داشته‌اند، مسلماً برای ثابت پاسال مسئله قابل اهمیتی نمی توانست است باشد. اما متأسفانه در این روزها می بینیم که مسئولین بنیاد مستضعفان در کارخانجات زمزم اقدامات وسیعی جهت پاکسازی عناصر غیرمکتبی آغاز کرده‌اند که طبق آن بسیاری از کارگران و زحمتکشان تحت عنوان "وابستگی به صهیونیسم و بهائیت" اخراج می شوند. آنچنانکه تاکنون ۱۲۰ نفر در تهران، ۷۶

نفر در اصفهان، ۲۴ نفر در کسمران و عده‌ای نیز در کرمانشاه، تبریز، و شیراز به این "جرم" اخراج شده‌اند. نظر اکثر کارگران این واحدها در مورد این اقدامات غیرمسئولانه و خودسرانه این است که: "بخش عده اخراج شده‌ها، افراد زحمتکشی هستند که نه تنها هیچگونه وابستگی به صهیونیسم و رژیم گذشته ندارند، و نه تنها تاکنون در امر تولید اخلاقی نکرده‌اند، بلکه اغلبشان نقش‌های فعالی نیز در تداوم تولید داشته‌اند". باید اضافه کرد که این مسئله تنها به اخراج افراد شاغل منتهی نشده بلکه افرادی که با بیش از ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شده بودند، نیز از این اقدامات مخرب در امان نمانده‌اند بطوری که قطع حقوق بازنشستگی آنان هم صادر شده است! صرف نظر از اینکه بسیاری از اخراج شده‌ها را کارگران زحمتکش و متخصص تشکیل می دهند که پرکردن جای خالی آنها مشکل است، ولی مهمتر از آن این که اینگونه اقدامات غیرمسئولانه و مخرب ملهم از سیاست های انجمن مشکوک حجیتیه، ابتدایی ترین حقوق کارگران را نقض نموده و حق کار و امنیت شغلی زحمتکشان را که

از جمله حقوق مصرحه آنان در قانون اساسی است نقض می نماید. و از آن بدتر که این اخراجی ها حتی از آن حداقل "تاوان اخراج" مندرجه در ماده ۳۳ قانون کار نیز محروم می گردند مسئولین انقلابی کارخانجات باید به حساسیت و اهمیت اقداماتی که در قبال مسائل کار و کارگری انجام می دهند، توجه اکید داشته باشند. بدون شک توجه مسئولانه و انقلابی به این مشکل میسر نمی گردد، مگر آنکه برای پاکسازی کارخانجات از نیروهای ضدانقلابی قبل از هر چیز ضوابطی صریح و روشنی تعیین گردد که طبق آن همه عناصر وابسته به نیروهای ضدانقلاب را (اعم از هرگونه تعلق اسمی شان به این یا آن مکتب) تصفیه نماید. به جای آنکه در امر پاکسازی مسئله وابستگی به این یا آن عقیده و مذهب ملاک قرار گیرد باید وابستگی به این یا آن نیرو و یا گروه منکی - به امیرالیم، صهیونیسم و رژیم گذشته و ... معیار قضاوت قرار گیرد تا روحیه انقلابی این کارگران و زحمتکشان در قبال تحکیم و تکامل انقلاب بیش از پیش شربخش گردد.

امر از طریق اجرای تمهیدات زیر است:

- دولت باید به عنوان اولین اقدام (با توجه به روح ماده ۸۱ قانون اساسی) تکلیف سهام خارجی کارخانه بریجستون را روشن نموده و کام نخست را در جهت ملی کردن کامل این شرکت امیرالیستی غارتگر بردارد.
- هرگونه حق الامتیاز (حق نام و ...) باید سریعاً لغو شود. هیچ پولی نیساید بابت حق نام بریجستون به کمپانی ژاپنی پرداخت شود. و برای آنکه بهانه از دست این شرکت غارتگر گرفته شود، لازم است که نام شرکت نام محصول (لاستیک بریجستون) عوض شود و یک نام ایرانی بر آن نهاده شود. (همچنان که در مورد کارخانه کیسان تأیر انجام گرفت، کارخانه کیسان تأیر قبلاً مطابق قراردادش با بی اف گودریچ، محصولاتش را نیز تحت همان نام عرضه می کرد و بابت آن حق الامتیاز هنگفتی نیز به کمپانی خارجی می پرداخت)
- قرارداد موجود با بریجستون ژاپن، مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد و در صورت طرح مجدد هرگونه رابطه تحمیلی و سلطه آور از سوی صاحبان این شرکت امیرالیستی. قرارداد یا قراردادهای با عرضه کنندگان تکنولوژی مورد نیاز کارخانه، با کشورهای مترقی و دوست، منعقد گردد تا زمینه‌های لازم جهت تولید خودکفا و مستقل فراهم آید.
- در سیستم سازماندهی تولید و اداره کارخانه باید تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. در این رابطه ضروری است در آینده نزدیک بین این کارخانه و کارخانجات لاستیک سازی دیگر (کیان تأیر و جنرال تأیر) یک ارتباط ارگانیک برقرار شود و مبادله تجارب و آموزش های فنی، تخصصی و پژوهشی لازم میان آنها صورت گیرد. به عبارت دیگر ضروری است که این شرکت ها پس از تعیین تکلیف قطعی وضعیت سهام شان (یعنی ملی شدن

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر  
پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# خبرهایی از روستاهای کشور

## با اجرای بندج و د اعمال جنایتکارانه بزرگ مالکان را ریشه کن سازیم

● یا توقف اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی که می رفت تا دست بزرگ مالکان را از سر روستائیان کوتاه کند اعمال جنایتکارانه و ضدانقلابی نفوذالها و بزرگ زمینداران که نفوذ آنها بکلی قطع نشده است ، کماکان ادامه دارد .  
توسط طوطه های رنگارنگ بزرگ مالکان علیه هیات های هفت نفره جهاد و زحمتکشان و دهقانان و روستاها قتل و دزدی و آتش زدن خرمن ها علی رغم کوشش های سپاه پاسداران در جهت سرکوبشان از آنجایی که هنوز تکلیف مساله زمین و بزرگ مالکی مشخص نگشته است در گوشه و کنار کشور ادامه دارد . تنها با تصویب و اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی است که می توان از بزرگ مالکان جلوگیری نمود و ریشه این دشمنان استقلال ، آزادی کشور را خشکاند .

در زیر به دو نمونه دیگر از اعمال جنایتکارانه و ضدانقلابی بزرگ مالکان که سند زنده و گویایی است از دهها عمل ضدانسانی آنها در روستاها می پردازیم .  
باشد که مسئولین امر و بخصوص نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی هرچه سریع تر مساله زمین و مالکیت را به نفع زحمتکشان روشن سازند تا دیگر شاهد اینگونه فجایع در مبین انقلابی مان نباشیم

ملایر - مرتضی خان لطفعلیان که یکی از بزرگ

## باغداران انگور خراسان خواهان خرید کشمش تولیدی توسط دولت و تعیین نرخ عادلانه محصول خود هستند

● خراسان - با جاری شدن سیل و آفت زدگی باغات انگور در شمال خراسان که سبب وارد شدن خسارات فراوان به باغداران انگور در منطقه و نیز کاهش تولید انگور و کشمش گردیده است . امسال میزان محصول کشمش نسبت به سال گذشته بسیار کاهش یافته و به حدود یک دوم و در برخی مناطق چون شیروان به یک سوم تا یک چهارم کاهش یافته است علاوه بر آن نرخ کشمش در منطقه نیز نسبت به سال گذشته بسیار تقلیل یافته و تجار و سلف خرما کشمش را که سال گذشته کیلویی ۱۵۰ الی ۱۲۰ ریال می خریدند ، امسال هر کیلو ۵۰ الی ۶۰ ریال نرخ تعیین کرده اند . کاهش محصول تولیدی کشمش و نیز تنزل بهای فروش آن فشار زیادی بر زندگی باغداران انگور در منطقه وارد آورده است . باغداران انگور خواستار آنند که دولت

اولا - با تعیین نرخ عادلانه و خرید کشمش تولیدی بطور مستقیم دست واسطه ها و سلف خرماهای زالوصفت را از سر روستائیان کوتاه کند .  
ثانیا - با بیمه محصولات کشاورزی در مقابل حوادث طبیعی زیان کشاورزان را جبران کند .  
ثالثا - با دادن وام های بلاعوض و یا دراز مدت جبران خسارات وارده ناشی از سیل و آفت و کاهش محصول به روستائیان را بنماید .

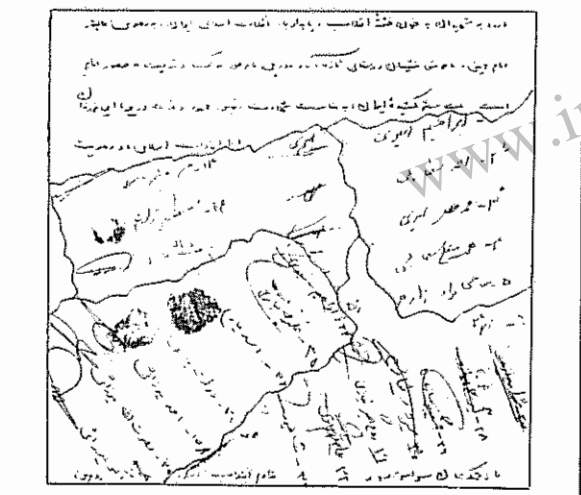
مالکان منطقه ملایر و مالک روستاهای مکرپی و دهنسو می باشد . بعد از اینکه هیات های هفت نفره با کمک شورای اسلامی روستا زمین هایش را به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین مصادره نمود با یک توطئه از قبل طرح ریزی شده در اوایل تابستان امسال بوسیله زحمتکشانی که مشغول علف چینی بودند توسط ایادی و مزدورانش مسلحانه حمله کرده و در نتیجه یک روستایی زحمتکش به نام غلامرضا گمار را به قتل رسانده و یک کارگر فصلی دیگر را نیز زخمی نموده است گرچه ایادی مزدور این خان توسط زاندارمری دستگیر گردیده ولی عامل اصلی این جنایت یعنی مرتضی خان به خاطر نفوذش در دادگاه انقلاب ملایر نه تنها آزاد است ، بلکه شکایتی نیز تسلیم دادگاه نموده است .

شیروان - طبق درخواست اهالی روستاهای منطقه خریستان از توابع شیروان از جهاد سازندگی جهت کمک به خرمن کوبی ، جهاد تصمیم به ارسال چهار تراکتور به منطقه می نماید دار و دسته ضدانقلابی نصرالله خان بهادرانی که از زمینداران منطقه است و چندی قبل جهاد بخشی از زمین هایش را بین روستائیان تقسیم کرده بود ، از این امر آگاه می شوند در محل کمین کرده و به محض رسیدن تراکتورها ، رانندگان تراکتورها را دستگیر می کنند در همین اثنا یک تویوتا که حامل سوخت برای وسایل کشاورزی بوده نیز توسط این مزدوران گرفته می شود و سپس آنها تراکتورها را آتش زده و دست و پای رانندگان را بسته و متواری می شوند . لازم به یادآوری است که پسر نصرالله خان نیز از ضدانقلابیون معروف منطقه است که در ۱۷ شهریور سال گذشته به همراه دار و دسته خود به شیروان حمله کرده و یک پمپ بنزین را آتش زده و دو نفر را نیز به قتل می رساند .

ملایر - مرتضی خان لطفعلیان که یکی از بزرگ

# اجرای بند (ج) و (د) خواست مشترک زحمتکشان و دهقانان سراسر کشور است

● کوشش های پیگیر و خستگی ناپذیر کشاورزان زحمتکش برای افزایش تولید و برداشتن گام هایی در جهت خودکفایی بدون کوتاه شدن دست زمینداران بزرگ و نفوذالها از حیات اقتصادی و سیاسی روستاهای مبین ما از طریق حل صحیح و اصولی مسئله زمین و اجرای بندهای "ج" و "د" امکان پذیر نخواهد بود .  
اعتراضات گسترده و متشکل روستائیان و ارسال طومارهای متعدد برای مقامات جمهوری اسلامی برگزاری سمینارهای شوراهای اسلامی روستایی از جمله سمینار اخیر سراسری شوراهای اسلامی کشور ، قطعنامه های هیات های هفت نفره ، جهاد با زندگی و



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

### وضع دهقانان

#### منطقه :

● همراه با رشد آگاهی زحمتکشان در سراسر ایران ، زحمتکشان روستاهای لرستان نیز نقش خود را در تعمیق و گسترش انقلاب ایفاء می کنند . دهقانان این منطقه مانند سایر مناطق در جهت دستیابی به حقوق حقه خویش با مشکلات و موانع زیادی مواجه هستند . حل نشدن قطعی مسئله زمین بقایای مناسبات ظالمانه فئودالی دشمنان هزار چهره انقلاب ، کمبود امکانات تولیدی ، جهل و سواد بی عدم امکانات رفاهی ، بهداشتی و فرهنگی و غیره از جمله عواملی هستند که جلوی رشد و تعمیق انقلاب را در روستاها سد می کنند و به نوبه خود بستر مناسبی را برای تبلیغات و تاخت و تاز بزرگ مالکان و دیگر نیروهای ضدانقلابی فراهم می سازند . با این همه آنچه که در این منطقه شاهدیم پیشرفته است از گسترش و پیشرفت انقلاب افزایش آگاهی روستائیان به منافع خویش و تعمیق انقلاب در روستاها

گرچه در لرستان با بزرگ مالکی به صورت گسترده روبرو نیستیم ولی در بخش هایی از این منطقه که با این مسئله دست به گریبانند مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان به سرگوناگون و در جهت اجرای بند " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی چشمگیر بوده است . روستاهای گزله ، باغه ، آباده ، دوکوهه ، رشواز ، دوسر ، بونیز ، چنارستان و چند روستای دیگر از شهرستان بروجرد روستاهای سوران ، سندرکان ، از دورود و روستاهای تیون ، رستم آباد از شهرستان الیگودرز و بعضی روستاهای دیگر که در آنها مسئله بزرگ مالکی مطرح بوده است ، زمین های بزرگ مالکان چه در پاره ای از نقاط توسط خود دهقانان و چه توسط نهادهای انقلابی از جمله جهاد و هیات هفت نفره زمین مصادره گشته است . و در نقاطی که هنوز به نتیجه قطعی نرسیده ما بخوبی شاهد حرکات جمعی و مبارزات دهقانان زحمتکش جهت تصویب قانون اصلاحات ارضی در مجلس شورای اسلامی و قطعیت یافتن

## گزارشی از : روستاهای لرستان

مالکیت آنها بر زمین ها می باشد . ترس از اجرای بند " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی بزرگ مالکان را به اقداماتی در جهت جلوگیری از اجرای قانون واداشته است بزرگ مالکین بخش اشتر اقدام به فروش زمین های خود نمودند و طی طوماری به شورای نگهبان قانون اساسی بند " ج " را غیراسلامی و غیرشرعی قلمداد کردند . این نمونه ای از اقدامات ارتجاعی و حیل های بزرگ مالکان است که دشمنی آنان را با دهقانان زحمتکش و انقلاب و ترس و وحشتشان را از اجرای قانون اصلاحات ارضی نشان می دهد .

### اقدامات مترقیانه نهادهای انقلابی

● نهادهای انقلابی به ویژه جهادسازندگی و هیات های هفت نفره در این نبرد همواره به حمایت از دهقانان برخاسته اند . آنها در موارد متعددی اقدام به مصادره زمین های مالکین بزرگ نموده و در مواردی چه به صورت پراکنده و چه به صورت شورایی و متاع آنها را در اختیار دهقانان بی زمین و کم زمین قرار داده اند . مصادره ۳۰۰ هکتار از زمین های میریدخان ارشدی بزرگ مالک ده سوران ، در دورود توسط جهاد و واگذاری این زمین ها بطور متاع به دهقانان کم زمین و بی زمین مصادره ۳۰۰ هکتار از زمین های محمودپور سرتیب بزرگ مالک ده آباده از بخش زاغه توسط هیات هفت نفره ، مصادره ۴۰۰ هکتار از زمین های رضاخان فولادوند مالک بزرگ روستای تیون الیگودرز توسط بنیاد مستضعفین و بسیاری نمونه های دیگر نشان دهنده

اقدامات مترقیانه این ارگانها و حمایت آنان از زحمتکشان روستاست . در پاره ای موارد زمین های مصادره شده توسط این ارگانها به ویژه جهاد و بنیاد مستضعفان کشت می شوند و از نیروی کار دهقانان استفاده می کنند مانند زمین های بتون الیگودرز و سوران دورود . جهاد و هیات های هفت نفره واگذاری زمین تاکنون نقش مهمی در جهت حل و فصل مسائل و پیاسخگویی به نیازهای انقلابی روستائیان و به ویژه مصادره زمین ها و حمایت از مبارزه دهقانان داشته اند . از جمله اقدامات هیات هفت نفره عبارتند از تشکیل ۶ گروه تحقیق برای واگذاری زمین ، واگذاری ۱۷۵۹ هکتار به ۱۳۰ خانوار خوشنشین بر اساس عرف محل که در ۱۵ شرکت تولیدی متاع بهره برداری را آغاز نمودند تشکیل شوراهای کشت در سطح منطقه ، واگذاری ۲۰۰ هکتار از اراضی بایر به واحدین شرایط و واگذاری ۳۰۰ هکتار زمین با تسهیلات ارضی به ۳۰ شرکت تولیدی مراکز گسترش در اختیار قرار دادن ۴۷۱ تراکتور به کشاورزان برای امور کشاورزی با نظارت خود هیات واگذاری ۶۶۳ هکتار از اراضی استان بطور موقت به افراد واجد شرایط و غیره . . . با توجه به گوشه های همجانبه جهاد سازندگی است که روستائیان لرستان خواهان آند تا جهاد اولویت ها را در نظر گیرد . برای کارها برنامه ریزی کند ، از نیروی کار جمعی روستائیان استفاده نماید ، و در کارهای خویش پیگیری و تدویم را رعایت کند . و به حمایت فعال و همجانبه از شوراهای مردمی روستاهای این منطقه و دادن امکانات به آنان بپردازد .

### عمده مشکلات و

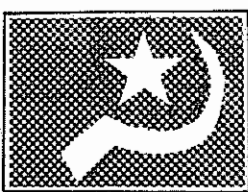
### خواست های روستائیان

● گذشته از مسئله زمین و قطعیت یافتن وضع سندها و مالکیت آن در روستاهای لرستان مسائل دیگری نیز وجود دارند که در موارد متعدّد منشاء حرکات اعتراضی روستائیان گشته است مسائلی چون نبود و کمبود آب ، و تامین امکانات برای استفاده مناسب از آبهای موجود در منطقه ، بذر کود ، سم تراکتور ، وام ، بهداشت ، جاده ، مدرسه ، حمام و . . . از جمله این مسائل است .

جهاد سازندگی در رفع این کمبودها اقدامات ارزنده ای انجام داده است اما متأسفانه این اقدامات چه به علت نبود برنامه های اصولی و همجانبه و چه به علت تنوع کمبودها و ایجاد فاجعه آمیز نارسایی ها تاکنون نتوانسته است در وجه غالب مشکلات را مرتفع سازد . در بعضی موارد شیوه های اشتباه و حساب نشده آنان برای اجرای برنامه های مترقی و مردمی نه تنها راهگشای حل مشکلات نبوده ، بلکه بر شدت آن افزوده است . نمونه بارز آن حوادث اردیبهشت ماه امسال در بخش چگی است که بخشدار این بخش با همکاری دیگر ارگانها برای محدود کردن نفوذ مالکین از شرکت های تعاونی توزیع مواد غذایی و مصالح ساختمانی دست به اقداماتی زده بود که علیرغم مضمون مترقی آن شیوه و شکل آن ، زمین را برای توطئه مالکین بزرگ فراهم ساخته بطوری که آنها با تبلیغات عوام فریبانه توانستند بخشی از روستائیان را علیه بخشدار به اعتراض وادارند و خواهان تعویض بخشدار و سپردن این سمت به یکی از مالکین گردند .

نکته قابل توجهی که در مطالبات و اعتراضات زحمتکشان روستاهای این استان مشاهده می گردد مضمون ترقی خواهانه و سمت انقلابی این خواست ها و حرکات است . هر چند شکل انجام این اعتراضات در بعضی موارد متناسب با شرایط فعلی جامعه نبوده و مورد سوء استفاده فئودالها و دیگر ضدانقلابیون قرار می گیرد ولی دهقانان در همه موارد چه در آنجایی که برای دستیابی به زمین حرکت می کنند و چه در جایی که برای امکانات رفاهی و تولیدی دست به اعتراض می زنند خواهان پیشرفت و ترقی اند . و علیرغم کارشکنی های پالکین بزرگ و مدافعان لیبرال و برخی قشریون آنها در ادارات در طی مدت سه ساله بعد از انقلاب همواره به دفاع از جمهوری اسلامی برخاستند و تبلیغات ضدانقلاب نتوانسته تأثیری بر روحیه و ذهنیت آنان باقی بگذارد . و مطالبات و خواست ها و اعتراضات آنها کاملاً جنبه انقلابی داشته و در چارچوب خواست های بحق آنان از انقلاب قابل بررسی و ارزیابی است .

با توجه به اینکه در منطقه لرستان خرده مالکی وجه غالب شیوه بهره برداری از زمین می باشد ، مسائل رفاهی و عمرانی و امکانات بهتر برای تولید از اولویت بیشتری برخوردارند . لذا بدون پاسخگویی به مسائل رفاهی و عمرانی و بدون رفع کمبود امکانات تولیدی نمی توان انقلاب را در عرصه روستاهای این منطقه به پیش برد و توطئه های دشمنان را نقش بر آب کرد . تجربه کشورهای از بند رسته از جمله تجربه سه ساله انقلاب ما نشان می دهد که بدون نابود کردن نفوذ مالکین بزرگ و سرمایه داری ارضی ، بدون پایان دادن به پراکندگی تولید در روستاها و بدون داشتن برنامه های انقلابی متناسب و درخور انقلاب ، راهی از چنگال این مشکلات امکان پذیر نمی باشد .





### نگاهی به

## پیشامدها پسنداشت و درمسان ارائه شده توسط دولت

از سوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران بخشنامه بودجه سال ۶۱ به کلیه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و غیردولتی ابلاغ شد کسبه براساس آن کلیه دستگاه‌های اجرایی مملکت می‌باید ظرف مدت یک ماه نسبت به تهیه برنامه و طرح‌های خود در قالب سیاست‌ها و الویت‌های کلی مندرج در بخشنامه اقدام جهت بررسی اسال سازمان برنامه و بودجه ارسال دارند علاوه بر این، تأمین اعتبار برای طرح‌ها و برنامه‌های ارسالی موکول به تأیید آنها در شورای اقتصاد خواهد بود یا توجه به مشکلات موجود مملکت در مرحله استقرار و تعمیق روند انقلابی کشور، این تصمیمات اولاً به خاطر اینکه در اواسط سال ۶۰ اقدام به برنامه‌ریزی برای سال ۶۱ می‌شود و ثانیاً موکول کردن تأمین اعتبار برای طرح‌ها و برنامه‌ها به تأیید شورای اقتصاد اقدامات مثبتی در جهت ایجاد توازن و هماهنگی بیشتر بین بخش‌های مختلف آموزش و پرورش - کشاورزی بهداشت و درمان در کشور می‌باشد و در بخش مربوط به بهداشت و درمان برنامه ارائه شده از سوی دولت، اصولی منظور شده که از اهمیت بنیادی خاصی برخوردارند. که البته تنها در صورتی اهداف این اصول تحقق خواهد یافت که مسئولین اجرایی بهداشت و درمان تمام امکانات را به درستی بسیج نمایند.

واقعیت نشان می‌دهد که قریب ۳ سال پس از انقلاب هنوز هم وضعیت بهداشتی - درمانی به ارث رسیده از زمان رژیم منور پهلوی برای میلیون‌ها کارگر و دهقان و حتی اقشار متوسط این مملکت بغایت نابسامان است. و تنها اقشار مرفه جامعه از امکانات بهداشتی درمانی قابل قبولی برخوردارند. پاسخگویی به نیازهای میلیون‌ها آواره جنگی و

رسیدگی هرچه بیشتر به امداد جبهه‌ها و رزمندگان فهردان مصدوم و معلول. اگر چه وظیفه‌های بس مهم را به عهده وزارت بهداشت نهاده است و وزارت بهداشت هم در مجموع تلاش‌های موفقیت‌آمیزی از خود نشان داده است. اما انجام این وظیفه ضروری نباید سب غفلت از بی‌ریزی ساختمان آینده بهداشت و درمان مردمی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی شود.

اصول مطرح‌شده در برنامه دولت چشم‌انداز نگرشی اساسی را به این مهم نوید می‌دهد. اهم این اصول عبارتند از:

بند ۱ - اتخاذ تدابیر مالی و عملیاتی و اعمال ضوابط و کنترل‌های لازم برای کاهش میزان نابرابری‌ها در استفاده از خدمات بهداشتی - درمانی برای کلیه اهالی کشور.

در این رابطه امروز بهترین زمانی است که وزارت بهداشتی دولت جمهوری اسلامی با توجه به شاخص‌های اسفناک بهداشتی کشور از قبیل میزان مرگ و میر بیش از یکصد در هزار کودکان کمتر از یک سال و میزان تولد بیش از ۴۰ در هزار و شیوع و آفر بیماری‌های عفونی و انگلی و سوءتغذیه از یک طرف و در دسترس نبودن خدمات بهداشت و درمان مناسب برای بیش از ۷۰٪ جمعیت محروم کشور (روستائیان و ساکنین حاشیه‌های شهری) بایستی با استفاده از تجربیات کشورهای انقلابی جهان که موفقیت‌های شایانی در همه زمینه‌ها بخصوص در زمینه بهداشت و درمان داشته‌اند درجهت دگرگون نمودن وضعیت موجود و ایجاد طب مردمی و همگانی اقدام نماید

۱ - هدف دولت بایستی مالا دولتی نمودن بهداشت و درمان در کشور باشد. با توجه به امکانات و شرایط فعلی باید سیاستی اتخاذ

درمانی اضافی در تهران و مراکز استان‌ها و اختصاص دادن و توزیع بودجه بهداشت و درمان استان‌ها و مناطق شهری و روستایی هر استان بطور سراسری و منطبق با نیاز و امکانات و تسهیلات بهداشتی و درمانی موجود هر منطقه از اهم اقداماتی است که باید بطور عاجل و ضربتی به اجرا درآید

ضروری است تدابیری اتخاذ شود تا امکانات آزمایشگاهی، رادیولوژی و سایر امکانات پاراکلینیکی نیز که فقط در شمال تهران و مراکز استان متمرکز یافته‌اند هرچه بیشتر در خدمت مردم مناطق محروم شهری و روستایی نیز قرار گیرد.

آگاهی از این حقیقت که در وضع فعلی، متوسط دفعات مراجعه به مراکز بهداشتی - درمانی در سال برای روستائیان ۰/۶ بار و برای گروه مرفه شهری و اشخاص بیمه‌شده ۵/۵ بار در سال است ضرورت اجرای اقدامات فوق را به چندین برابر می‌سازد.

بند ۴ - تأکید بر تربیت کادر پزشکی بخصوص در رده‌های کمک‌پزشکی و بهبود کیفیت آموزش‌های تخصصی دانشجویان پزشکی. در این رابطه امید است برنامه‌ریزی سناد انقلاب فرهنگی مبنی بر یکی شدن وزارت بهداشتی و آموزش پزشکی به منظور پاسخگویی بهتر به نیازهای توده‌های میلیونی جامعه بوده و منجر به تقویت و اعتلای کمی و کیفی هرچه بیشتر دانشکده‌های پزشکی شود و نه آنکه آن را تضعیف کند.

پیشنهاد می‌شود که در ابتدا شورایی مرکب از استادان دانشکده‌های گروه پزشکی و کارشناسان بهداشتی وزارت بهداشتی در هر منطقه مدیریت و راه‌اندازی و برنامه‌ریزی آموزش پزشکی و ارائه خدمات را به عهده گیرند تا دانش دانشگاهیان هرچه بیشتر با جوهر تجربیات عملی کارشناسان وزارت بهداشتی عجین و شکوفا گشته و نیروی انسانی پزشکی تربیت شده قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه باشد.

همچنین بدرستی در این بند بر تربیت هرچه بیشتر رده‌های پیراپزشکی اشاره شده که در این صورت با

تربیت و استفاده صحیح و سبب از کادر کمکی و پیراپزشکی از یک طرف و کمبود خطرناک ترک کاهش پیدا خواهد کرد. و از طرف دیگر خدمات بهداشتی و درمانی در اقصی نقاط کشور در دسرس طبقات محروم قرار خواهد گرفت

برای بهتر احرا شدن این قسمت از این بند (بند ۴) ضرورت دارد وزارت بهداشتی هرچه سریع‌تر به توسعه سیاست‌های ارائه خدمت بردارد و در قالب آن به تربیت و وسع کادر کمکی بطور منطقه‌ای اقدام نماید. در این رابطه مناسبانه شاهد قصور زیادی در وزارت بهداشتی بعد از انقلاب بودیم.

بند ۹ - تنظیم سیاست‌های اجرایی مشخص در زمینه گسترش خدمات بهداشتی و تأکید بر اولویت بهداشت بر درمان

بهداشت و پیشگیری باید بر درمان اولویت داشته باشد البته نه در حرف بلکه در عمل و برای جامه عمل پوشاندن به این هدف بنیادی بایستی وزارت بهداشتی به تأمین سلامت جامعه بپردازد نه صرفاً به درمان بیماران جامعه و در این رابطه وزارت بهداشتی موظف است ضمن در نظر داشتن اولویت بهداشت اولاً حداقل ۵۰٪ بودجه بهداشت و درمان را به بهداشت و پیشگیری اختصاص دهد.

ثانیاً با انتخاب مدیران بهداشتی در راس امور ضرب‌المثل معروف "یک جو پیشگیری به از خروار درمان" را جامه عمل بپوشاند.

در سیستم درمانی رژیم گذشته هدف نه اولویت بهداشت بر درمان و تضمین سلامت جامعه بر منای بهداشت همگانی، بلکه تقویت هرچه بیشتر طب تجارثی و وابسته بود. از این رو، مهره‌های فاسد صلاحیتی چون شاه‌قلی، پویان و شیخ‌الاسلام زاده در راس امور بهداشتی قرار می‌گرفتند نه متخصصین بهداشتی. ضروری است تا تربیت هرچه بیشتر مدیران بهداشتی و استفاده هرچه وسیع‌تر از متخصصین بهداشت بکوسم مقدم بر عظیم ساختن بیمارستان‌ها و تجهیز اطاق‌های عمل، واکس سرخک و سیاه‌سرفه و فلج اطفال و دیفتری و کزاز و ... را به نوبه‌الاول بنحیه در صفحه ۱۵

● در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (اول آذرماه ۶۰) در سخنرانی‌های پیش از دستور دو تن از نمایندگان در مورد اوضاع کردستان سخنانی ایراد کردند. سخنان اول پیش از دستور غلامرضا حسنی (ملاحسی) نماینده ارومیه و امام جمعه این شهر بود. وی در سخنان خود ضمن برشمردن برخی جنایات باند قاسملو و سایر گروهک‌ها در تفرقه و مناطق کردستان، عوام‌فریبانه کوشید تا با پرده سترافکندن بر اعمال تفرقه‌جویانه و ماجراجویانه‌ای که در دو سال و نیم گذشته مرتکب شده و درحالی‌ها سخت‌کردن ضدانقلاب نقش

در یک کلام، ملاحسی که از جوانزدن بازهای اندیشه‌ها و شیوه‌عمل‌های واقع‌بینانه و منطقی در میان بخشی از مسئولین جمهوری ولو هنوز بخت کوچک به شدت هراسناک شده است. هرچه خواست گفت و هرچه توانست کرد و خاک کرد که نباید بنیواند این جوانه‌های امیدوارکننده را از بین برد که شاید همچنان "قهرمان" ساززه با ضدانقلاب در منطقه باقی بماند! سخنان ملاحسی چیزی جز توجیه و دفاع وی از اقدامات گذشته‌اش نبود!

" شما نمی‌توانید کارهایی که الان در ایران است انجام دهید، الا با همسازیهایی ملت. هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواسته‌های آنها "

هماهنگی نیروهای مدافع خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با بوده‌های میلیونی، طی نزدیکی به سه سال بیروزی‌های بزرگی نصیب

" ... در پناه اسلام

### کردستان : بازتابی از دو سیاست

می‌کنند مانع از وجود آمدن هماهنگی بین نیروهای مدافع خط امام در حاکمیت و توده‌های محروم و ستمدیده خلق کرد گردیده‌اند. ملاحسی بیش از آنکه یک فرد باشد، معرف یک سیاست است. سیاست انکار حقوق ملی و قومی خلق کرد و تنزل مشکل کردستان تا حد مساله‌ای صرفاً نظامی، سیاست ایجاد دشمنی و خصومت میان شیعه و سنی. کرد و ترک و فارس... سیاست مسلح کردن متوادل‌ها و خوانین و عناصر ضد مردمی که قدمی جز به زیان انقلاب بر نمی‌دارد. و سرانجام سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و مردمی در منطقه اعم از پیروان کنگره چهارم، توده‌ای، "اکثریت" و هر نیروی دیگر مدافع انقلاب و خط مردمی امام خمینی که دارای ایدئولوژی خاص خود هستند.

اگرچه امروز شخص ملاحسی به واسطه افشاکاری نیروهای مردمی در نهادهای انقلابی منطقه و خارج از آن قدرت گذشته خود را جهت اعمال نمودن مسائل منطقه از دست داده است و در واقع در آستانه محاکمه عظیم معبودی را بیشتر باید یک دفاعیه شخصی تلقی نمود، اما سیاستی که ملاحسی سمبل آن است همچنان بطور عمده حاکم بر رفتار و اعمال مسئولین جمهوری اسلامی ایران در کردستان است.

بسرعکس، آن سیاست واقع‌بینانه‌ای که حل مشکل کردستان و نابودی قطعی ضدانقلاب در منطقه را تنها در جلب قلوب مردم کردستان به‌جانب انقلاب از طریق پاسخ به خواسته‌های حقه آنها جستجو می‌کند، سیاستی که در پیام ۲۶ آبان امام خمینی و سایر رهنمود ایشان در مورد کردستان به‌گونه‌ای روشن انعکاس یافته و حجت‌الاسلام رهامی در مجلس با تأکید بر خواسته‌های مشروع مردم کردستان آن را بیان نمود، هنوز رهنمون اصلی همه مسئولین در کردستان قرار نگرفته است.

بقیه در صفحه ۱۱

سخنران دوم حجت‌الاسلام محسن رهامی نماینده خدابنده در قسمتی از سخنان خود که به گزارش سفر کردستان اختصاص داشت گفت:

" ... آنچه درحالی حاضر ضرورت توجه به آن محسوس می‌باشد، مسئله سیاسی و اجتماعی منطقه است... اکنون مردم منتظرند که ببینند حکومت اسلامی ایران با اینها چگونه برخورد می‌کند، مسئولین رده‌های انتظامی، نظامی و دادگاه‌ها باید با ملایمت و عطف و مهربانی با مردم برخورد کنند و کوچکترین حرکت ما ممکن است اثرات نامطلوبی روی مردم بگذارد..."

حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد و حقوق حقه ملی خلق کرد را مورد انکار قرار می‌دهد. نمایندگان این سیاست مخرب با محدود ساختن مرز میان خواست بحق توده‌ها و اهداف ضدانقلابی باند قاسملو و سایر گروهک‌ها، انقلاب را در یکی از مهمترین سنگرها، تسلیم ضدانقلاب می‌نمایند. مدافعین این سیاست در مقابل این همنورد امام قرار دارند که در دیدار با هیئت دولت و رئیس جمهور در ۲۳ آبان ماه اسامی بیان کردند.

" ... آنچه درحالی حاضر ضرورت توجه به آن محسوس می‌باشد، مسئله سیاسی و اجتماعی منطقه است... اکنون مردم منتظرند که ببینند حکومت اسلامی ایران با اینها چگونه برخورد می‌کند، مسئولین رده‌های انتظامی، نظامی و دادگاه‌ها باید با ملایمت و عطف و مهربانی با مردم برخورد کنند و کوچکترین حرکت ما ممکن است اثرات نامطلوبی روی مردم بگذارد..."

آنچه در سخنان پیش از دستور ملاحسی و حجت‌الاسلام رهامی به‌گونه‌ای برجسته بازتاب یافته است دو برخورد کاملاً متفاوت و متضاد با چگونگی حل مشکل کردستان است. که از آغاز درگیری‌های کردستان تاکنون

مزایای ابقاء نموده است خود را به عنوان قهرمان ساززه با ضدانقلاب معرفی نماید. ملاحسی در سخنان خود از فدائیان (اکثریت) در کنار حبشه‌لی و گروهک‌های ضدانقلابی کومه‌له و پیکار یاد کرد و نام بلوریان و شهدا قاضی محمد و رحمان کریمی را هم‌ردیف شیخ عثمان نقشبندی مزدور و قاسملو خیانتکار قرارداد. او به همه آنها بی که وی را سه خاطر حمایت همه‌جانبه از ضدانقلابیونی چون عظیم معبودی و مراد قطاری و شرکت در مسلح نمودن فتوادل‌هایی چون خسروی و رشیدبیگ و شرکت مستقیم در قتل‌عام مردم روستای 'نذرقاش و فجاج دیگر که یک به نوبه خود ضربات جدی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است حمله کرد

وی در قسمت دیگری از سخنان خود با تحریف آشکار تاریخ و یکی دانستن راه شهید قاضی محمد که امروز توسط (پیروان کنگره چهارم حزب دمکرات) ادامه می‌یابد، با اهداف باند خیانتکار قاسملو گفت

" یکصد و بیست سال پیش شیخی به نام عبیدالله حزب دمکرات را در کردستان با یک اساسنامه که کلیات آن قتل و غارت عدوهای مسلمین به نام شیعه بود، بوجود آورد!!"

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

### کردستان بارتقایی ..

اخیرا روزنامه اطلاعات مجموع گزارش‌هایی را از وضعیت عمومی برخی شهرهای کردستان از جمله بوکان و مهاباد انتشار داد. این گزارش‌ها که دیدگاه مسئولین نهادهای مختلف از قبیل جهادسازندگی، بنیاد شهید، سپاه پاسداران و ارتش را منعکس می‌نمایند در عدم برخورد مسئولین نهادهای مذکور با ریشه و اساس مسئله مشترک هستند آنها از عملیات موفقیت آمیز نظامی از اقدامات امنیتی و انجام پاره‌های کارهای عمرانی و رفاهی سخن گفته‌اند. و تنها یک مورد از گزارش‌های مذکور به "ریشه‌یابی" مساله پرداخته است که از زبان حجت‌الاسلام محمدیان یکی ز روحانیون اعزامی از حوزه علمیه قم به مهاباد در مورد علت اصلی درگیری‌های کردستان بیان شده است:

"بیشترین عاملی که باعث آشوب و درگیری و ناامنی در منطقه شده می‌توان گفت فقر فرهنگی کردستان بخصوص شهر مهاباد بوده است

آیا بسیار تاسف‌آور نیست همچنان افرادی در موضع مسئولیت به منطقه اعزام می‌شوند که هیچ اطلاعی از ابعاد بغرنج مشکل کردستان نداشته و با بی‌مسئولیتی تمام‌اعلام می‌کنند که علت اصلی درگیری‌های منطقه "فقر فرهنگی" مردم است؟ آیا چنین سخنان خلافی جز تقابل بیشتر با مردم و دورکردن آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی بران نتیجه دیگری خواهد داشت؟ بسیار روشن است که مردم کردستان هیچگاه به چنین فردی، که با زندگی، خواسته‌های آنها بیگانه است اعتماد نخواهند کرد. نیز روشن است که چنین بدم اعتمادی به شخص پشان محدود نخواهد ماند و تاسفانه به بی‌اعتمادی نسبت به مسئولین جمهوری اسلامی بران منجر خواهد شد که پشان خواسته‌اند از طرف ن سخن بگویند و ایمن اجعه است!

بقیه از صفحه ۱۰

این همه جدایی و بیگانگی با خواسته‌های مردم وعدم درک ماهیت مساله که بهترین خوراک تبلیغی را برای ضدانقلاب فراهم می‌آورد در شرایطی دربین گرفته می‌شود که امام خمینی خطاب به رئیس جمهور و نخست‌وزیر در مورد ضرورت همفکری و همگامی مسئولین با مردم گفتند:

"... ما مورینی که می‌خواهید بفرستید به اطراف، این ماورین را درست توجه کنید که با ساخت مردم موافق باشند، همانطوری که خود شما می‌خواهید با مردم همفکر باشید" بی‌توجهی به این رهنمود امام در عمل همان نتایجی را می‌آورد که حجت‌الاسلام رهامی در سخنان خود مسئولین منطقه را از آن برحذر داشته است. یعنی تاثیر مخرب و نامطلوب بر آذهان مردم و باهمال کردن خون هزاران شهید. نمایندگان سیاست اول طی ماههای اخیر در جریان وقایعی که به شهادت رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات ایران (پیرو کنگره چهارم) انجامید، با اقدامات تنگ‌گروانه و مشکوک خود بار دیگر ضربه‌ای دردناک بر پیکر زخم‌دار انقلاب در کردستان وارد ساختند کارشکنی و سنگ‌اندازی بر سر راه گسترش همکاری و اتحاد عمل با رحمان کریمی از جانب افرادی نظیر ابراهیمی (استاندار آذربایجان غربی) و محصولی معاون سابق وی و دنباله‌روی برخی افراد مسئول در سپاه پاسداران و سایر نهادها در ارومیه از آنها سبب گردید تا با شهادت رحمان فرصت ارزنده‌ای که جهت جلب حمایت وسیع توده‌های از انقلاب و مبارزه پیگیر و اصولی با ضدانقلاب در منطقه شمال کردستان ایجاد گردیده بود. حداقل برای مدتی از دست برود. تجربه‌ای که می‌توانست به سایر مناطق کردستان نیز گسترش یابد و تجربیاتی که ضدانقلاب شدیداً از آن وحشت داشت و توسط ترور و شهسادات

مرگور را که هیچ توسیجی باز ندارد. برای خطب توجه مسئولین امر معکس می‌کیم نادر اجزای اسام رهنمود گراغدر اسام بگویند که:

"همانگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواسته‌های آنها"

بسمه تعالی  
محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران!

ما مردم مسلمان رنج‌دیده و مستضعف کرد مناطق ترگور و مرگور واقع در استان آذربایجان غربی ضمن ابراز پشتیبانی خود از انقلاب اسلامی، رهبریت آن حضرت و نهادهای جوشیده از انقلاب اعلام می‌داریم که تحت رهبری حضرت امام برای دفاع از انقلاب اسلامی و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم آماده هرگونه جانبازی بوده و خواهیم بود

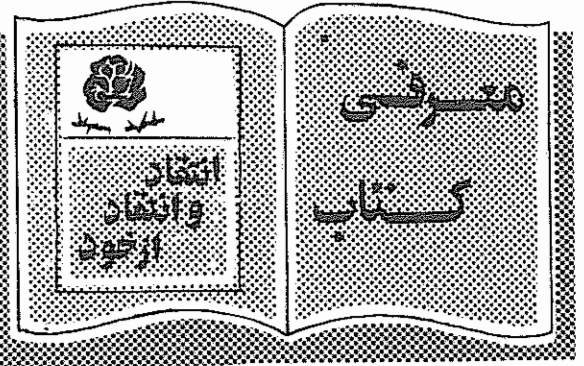
حضرت اسام! اکنون که بر اثر رشادت برادران پاسدار - ارشستی و بيمشگران و قاداتر به جمهوری اسلامی مناطق ما از لوث وجود ضدانقلابیون وابسته به باند فاسملوی یعنی و دیگر ایادی آشکار و نهان امپریالیسم و ضد - انقلابیون پاک شده است و می‌رود که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه استقرار کامل یابد ما مردم مسلمان این منطقه توجه آن حضرت را که همیشه حامی مستضعفان و منافع کوچک‌نشینان در مقابل کآخ‌نشینان و مستکبران بوده‌اید به نکاتی که در زیر آمده است جلب می‌کنیم تا طبق فرمان و رهنمودهای آن حضرت خواسته‌های مردم مستضعف این منطقه هرچه زودتر جامه عمل ببوشد. و حاکمیت مستضعفان تحت رهبری و فرمان آن حضرت در این منطقه برپا گردد و ضدانقلابیون که زیر لوی تحقق خواسته‌های این مردم به خیانت علیه خود این مردم مشغولند هرچه زودتر رشوا و افشاء گردند، و حقاقت حمایت جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی از مردم مستضعف مسلمان برهمگسان ثابت گردد. انشاءالله.

### خواست‌های مردم

خواست‌های اهالی ترگور و مرگور حضور امام امت به شرح زیر است:

- ۱ - اعزام هیئت هفت نفری واکذاری زمین برای اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی جهت کسوتاه کردن دست فتوادل‌هایی که در طول تاریخ بر ما مردم روستایی ظلم و زور روا داشته‌اند.
- ۲ - بازگشایی مدارس در سطح منطقه برای تربیت جوانانی که با درک انقلاب اسلامی انرژی و قلم خود را تحت رهبری آن حضرت به تیری بدل سازند و بر سینده امپریالیسم و صهیونیسم نشانه روند.
- ۳ - خلع سلاح فتوادل‌هایی که در زمان دولت موقت آقای بازرگان به نام جوانمرد مسلح شده‌اند و به شهادت همگان به نام اسلام و مستضعفان بر علیه اسلام و مستضعفان مسلمان منطقه چه کارها که نکرده‌اند.
- ۴ - اعزام برادران جهاد سازندگی برای ایجاد و عمران و آبادی منطقه
- ۵ - استقرار پایگاه دائمی سپاه پاسداران در منطقه برای جلوگیری از هرگونه توطئه ضدانقلاب
- ۶ - ایجاد شوره‌های اسلامی دهقانان تحت نظر سپاه پاسداران.
- ۷ - اجرای بدون وقفه پیام تاریخی ۲۶ آبان امام خمینی و مفاد قانون اساسی. تا اجرای این پیام ریشه هرگونه حرکات ضدانقلابی در منطقه مسدود و به محرومیت‌های تاریخی ما مردم محروم کرد یک بار و برای همیشه در جمهوری اسلامی پایان داده شود.

از طرف مردم مسلمان ترگور و مرگور با ۴۰۲ امضا



### در حاشیه

## انفجار جنایتکارانه راه آهن و فروشگاه قدس

# باندهای سلطنت طلب جنایت می آفرینند!

● همزمان با مانور نظامی امریکا در منطقه، سلطنت طلبان، ساواکی‌ها و مائوئیست‌ها می‌کوشند جامعه را به اغتشاش و ناآرامی بکشانند، انفجار جنایتکارانه راه آهن و فروشگاه قدس با این هدف صورت گرفته است.

را به خیل ناراضیان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سوق دهند. هدف فرو بردن جامعه در جو ارباب و خشونت است. متأسفانه مردم نمی‌دانند وقوع چنین جنایاتی را به پیکای سلطنت طلبان و ساواکی‌هایی که توسط سیا سازمان یافته‌اند بنویسند یا به پیکای "مجاهدین خلق"؟ اعمال جنایتکارانه و تروریستی باند رجوی - خیابانی، تمام خط مرزهایی را که زمانی میان مجاهدین و مزدوران امریکای جنایتکار وجود داشت، از میان برداشته است. تبلیغات نادرست رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی ایران نیز که تمام اقدامات تروریستی را به باند خائن رجوی - خیابانی نسبت می‌دهد، برای توطئه‌های سیا و مزدوران تربیت شده آن محیط مساعدی بوجود آورده است و مانع از آن می‌شود که نفرت برحق مردم متوجه امریکای جنایتکار و مزدوران مستقیم آن گردد. رئیس‌جمهور خامنه‌ای چندی پیش درباره فعالیت جنایتکارانه سلطنت طلبان و ساواکی‌هایی که توسط سیا سازمان یافته‌اند هشدار داده بود. سازمان ما نیز بارها تاکید کرده است که مقامات مسئول جمهوری باید درباره فعالیت باندها و دستجات سلطنت طلب مراقبت و هشیاری بیشتری از خود بروز دهند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ابراز انزجار از اعمال جنایتکارانه تروریستی، به بازماندگان شهدای این حوادث تسلیت می‌گوید.

● هفته گذشته بار دیگر با دو جنایت فجیع بمب‌گذاری در راه آهن و فروشگاه قدس تعدادی از هم‌میهنان ما شهید و گروهی نیز مجروح شدند. یک مادر با کودک خردسالش و چند راننده بیگناه از جمله قربانیان جنایات فوق بودند.

مشخص‌ترین ویژگی اعمال تروریستی کنونی آن است که هر روز بیش از پیش خصلت عمیقاً ضدانسانی بخود می‌گیرد. قربانی کردن مردم عبادی کوچه و بازار و بمب‌گذاری در میان آنان نشان جنون یاس‌آمیز و لجام گسیخته ضدانقلاب است که با تمام نیرو مذبحخانه تلاش می‌کند که از پیشرفت انقلاب و سمت‌گیری مردمی آن علیه کلان‌سرمایه‌داری و به‌زرگ مالکی جلوگیری بعمل آورد.

امریکای جنایتکار در کنار مانور نظامی خود در منطقه در تدارک تجاوز تازه‌ای علیه انقلاب ایران است. و هم زمان با آن، باندها و دستجات سلطنت طلب، ساواکی و مائوئیستی را که در پایگاه‌های سیاست در ترکیه و پاکستان سازمان داده است به داخل مرزهای کشور برای تخریب و عملیات جنایتکارانه تروریستی گسیل می‌دارد.

هدف این اقدامات زمینه‌چینی برای تجاوز و اجرای موفقیت‌آمیز توطئه‌های براندازی است. هدف آن است که با ایجاد اغتشاش و ناآرامی در داخل کشور از یک سو مانع استقرار قانون اساسی و اقدامات بنیادین اقتصادی اجتماعی به سود محرومان و زحمتکشان گردند. و از سوی دیگر با دامن زدن جو تشنج و ناآرامی، توده‌های وسیع‌تری

بریده بودند، پیوستند و این جریان را تقویت کردند. سپس ما با جوسیدن گروهک‌های نوین "که هر یک خود را از دیگری انقلابی‌تر" می‌دانستند روبرو می‌شویم.

مؤلف سپس خطوط کلی انتقاد از خود را که بیان نظر در محیط کاملاً آزاد و سالم و به قصد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است ذکر می‌کند و تصریح می‌نماید که این انتقادات باید از موضع اصول اساسی پیش‌حزبی از موضع انترناسیونالیسم پرولتری در جهت تکمیل یکپارچگی حزب در حکم بالا بردن اعتبار حزب باشد. حزب را به باشگاه بحث و مجادله بدل نکند به وسیله دشمنان حزب تحمیل نگردد. مؤلف انتقاد از خود در مقیاس‌های کوچک، سازمانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و آن را به دو بخش اساسی، بررسی کار جمعی و بررسی مسئولیت‌های فردی تقسیم می‌کند. این کار باید هدف پرورش اعضاء حزب با روح مردمی (و نه روح قهرمانان منفرد) را دنبال کند و آنها را در روند مبارزه و کار حزبی از نوسازد.

مؤلف در پایان کتاب، شیوه نادرست و تحریف‌شده انتقاد از خود مائوئیستی را که نوعی اعمال فشار روحی و تحقیر به افراد حزب و انداختن طوق لعنت به گردن آنها بود، بر ملا می‌سازد و انتقاد می‌کند.

مؤلف از روی اسناد خود مائوئیست‌ها نشان می‌دهد که این روش موجب آزار روحی و جسمی انقلابیون بود "گزارش" تحریفی انتقاد از خود مائوئیستی دوبار، یکی در سال ۱۹۴۱ و بار دیگر در سال ۱۹۶۵ (سالهای سه اصطلاح انقلاب فرهنگی) انجام گرفت. مؤلف این طرز "انتقاد از خود" را نوعی تبه‌کاری می‌داند، که رابط‌های با انتقاد از خود لنینی ندارند.

با آنکه ما کوشیدیم در این معرفی از رساله بیست و دو صفحه‌ای رفیق جوانشیر، نکات جالب آن را نقل کنیم باید گفت که عملاً این کار انجام نگرفته و تنها خواندن دقیق این رساله سودمند است، که می‌تواند ما را به همه نکات جالب کتاب وارد سازد.

انقلابی و گذار از یک مرحله تکامل به مرحله بالاتر حاصل می‌شود. این انتقادی است که به پیشرفت و تکامل می‌انديشد و هدفش جلوگیری از راندن انقلاب و پیروزی آن است. مؤلف متذکر می‌شود که در جامعه سوسیالیستی که خصلت دیالکتیکی و متضاد تکامل و ضرورت عینی و کشف حل مداوم تضادها را درمی‌یابد، انتقاد جامعه از خود یک روند قانونمند است. در فعالیت احزاب طراز نوین طبقه کارگر، انتقاد از خود از اصول اساسی است. کشف کمبودها به معنای عیب‌جویی نیست، زیرا هدف، یافتن جهات و تحارب مثبت و منفی برای تکمیل کارایی است. انتقاد از خود با دموکراسی درون حزبی ملازمه دارد، زیرا انتقاد و انتقاد از خود علامت شرکت فعال و موثر اعضای حزب در زندگی حزب و سرنوشت آن است.

مؤلف با مراجعه به تاریخ جنبش جهانی کارگری، سخنان لنینین را در مورد کسانی مانند برنشتین نقل می‌کند که می‌خواستند از حربه انتقاد از خود در حزب تحت عنوان "آزادی انتقاد" برای کشاندن حزب به سوی منجلاب اپورتونیسیم استفاده کنند و نشان می‌دهد که در تاریخ حزب توده ایران، یک بار به وسیله گروه خلیل ملکی در سال ۱۳۲۵ و بار دیگر پس از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲، زیر فشار دشمن جنبش "انتقاد" ویرانگری به حزب تحمیل شد.

مؤلف یادآور می‌شود که در دهه صفت میلادی زمانی که مائوئیسم با مقاصد تخریبی پرچم "آزادی انتقاد" را در مقیاس جهانی علیه مارکسیسم - لنینیسم برافراشت، باز سفسطه و لحن مالی جنبش انقلابی مدتها و گروه قاسمی - فروسی به جمعی از کسانی که از حزب

از طرف "انتشارات حزب توده ایران" رساله کوچکی تحت عنوان "انتقاد و انتقاد از خود" نوشته ف. م. جوانشیر در ۲۰ صفحه انتشار یافت. ولی حجم کوچک رساله نشانه‌ای از اهمیت کم مطالب فشرده و مهم آن نیست.

در این جزوه پس از تعریف و توضیح عمومی انتقاد از دیدگاه مارکسیسم و بیان آنکه انتقاد از خود در حزب طراز نوین طبقه کارگر و آزادی انتقاد در چنین حزبی به چه معاست، خطوط کلی انتقاد از خود در بررسی کار جمعی و مسئولیت فردی بیان می‌گردد و به تحریف مائوئیستی انتقاد از خود، در پایان رساله پاسخ داده می‌شود.

انتقاد از خود شیوه کشف تضادهای درونی تکامل اجتماعی و از این جهت سلاحی در نبرد طبقاتی است. مؤلف در مقابل این برداشت مارکسیستی از انتقاد، دو برداشت "واقع‌بین" و "برانگر" بورژوازیسی انتقاد را قرار می‌دهد. به عنوان انتقاد واقع‌بینانه، مؤلف "انتقادی را دگر" می‌کند که محافظ بورژوا - لیبرال در دهه ۴۰ - ۱۳۵۰ از رژیم شاه می‌کردند، که روشن است هدف آنها برطرف ساختن برخی "زیاده‌روی‌ها" برای تحکیم ارکان نظام سرمایه‌داری در مجموع بود. در مقابل این انتقاد توجیه‌گرانه بورژوازیسی انتقاد ویرانگر آنارشستی قرار دارد، که هدفش نفی کینه و اتحاد و استقرار نیست بلکه منفی‌بافی عمومی و به‌ویژه نفی سازمان‌های واقعا انقلابی است.

انتقاد از موضع حزب طراز نوین طبقه کارگر، به تصریح مؤلف انعکاسی است از قانون نفی در نفی در دیالکتیک تکامل اجتماعی و از آن ضرورت و امکان اتحاد نیروهای

مسلمانان افغانستان وفاداری خود را به حکومت حاکم و آمادگی حوس را بر اساسی از دساوردهای اغلات آوریل و سرکت در تانکاری کاج زندگی نوی و معالیه با امیرالیسم اعلام می دارند .  
نوده های مسلمان که اسلحه به دست علیه استعمارگران بیکار می کردند . قش صهی در دستری الحزبیه استقلال ملی افغان کردند . اکنون آنها در احیاد زندگی نوی محدانہ سرکت می کنند .  
الحزب در رید نوعه اقتصاد . فرهنگ و دانش و در زمینه بالاردن سطح رفاه زمینکنان موفقت های جنگری بدست آورده و این موفقت ها تا حدود زیادی نحه آن است که مسلمانان الحزبیری با پیروی از دس اسلام ارزش های سنی را با ایده های نوسازی جامع و مبارزه بیکرانہ علیه امیرالیسم و استعمار نوب با مہارت نوان می سازند  
دکتر احمد آروا ایدئولوگ سرشناس مسلمان نوسه است

" اکنون انسان بدون اینک انقلابی باشد ، نمی تواند به روح اسلام وفادار بماند .

اتحاد شوروی به قش صہم مسلمانان در مبارزه علیه امیرالیسم . استعمار و ارتجاع و در پیشرفت احتمالی کشورهای خود مغترف است .

## اتحاد شوروی از مبارزه آزادیبخش مسلمانان جهان پشتیبانی می کند

رادیو مسکو، در اول آذرماه جاری گفتاری زیر عنوان " اتحاد شوروی از مبارزه آزادیبخش مسلمانان جهان پشتیبانی می کند " پخش کرد . در این گفتار بار دیگر سیاست روشن و انقلابی اتحاد شوروی نسبت به اسلام انقلابی، امام خمینی و انقلاب ایران و درباره جنبش های رهاثیختی که با آرمان های اسلامی علیه امیرالیسم و ارتجاع جهانی می رزمند بیان شده است .  
این گفتار کوتاه دشمنان انقلاب مردم ما را که عوام فریبانه و سالوسانه می گویند اتحاد شوروی را دشمن اسلام و انقلاب ایران معرفی کنند رسواتر ساخته و پوچی تبلیغات کینه توزانه و انقلاب شکنانه افراطیون مذهبی را که میان مسلمانان مبارز پیرو خط امام و پیروان راستین سوسیالیسم علمی از یک سو ، و میان انقلاب ایران با دولت های ترقیخواه و کشورهای سوسیالیست از دیگر سو تخم نفاق و دشمنی می کارند آشکارتر می کند .

دهند و آن را از تمام آنچه که احکام قرآن در مورد ایحاد جامعه مبتنی بر اصل عدالت و برابری حقوق کلیه افراد عطاق دارد محروم سازند - علاوه بر مسلمین ایران مسلمانان دیگر کشورها هم با قطعیت علیه امیرالیسم و در راه ترفی و تعالی مبارزه می کنند . مثلا مسلمانان مہین پرست واقعی افغانستان که به اتفاق تمام مردم آن کشور جنبه ملی مہینی را تشکیل دادند ، موضع گیری و نظرات آن محافل روحانیون مرجع را که به راه مبارزه برضد جمهوری دمکراتیک افغانستان قدم گذاشتند تأیید می کنند اکثریت قریب به اتفاق

بگیرد و تجربه تاریخی و از جمله تجربه دوران اخیر موید این امر است . ولی همین تجربه نمایشگر آن است که ارتجاع هم گه شورش های ضدانقلابی را برپا می کند از شعارهای اسلام دفاع می کند "

لغونید برضد اشکاره می کند :

" بنابراین مطلب سبر محتوی واقعی این و یا آن جنبش است

تجربه تاریخی ثابت می کند که مسلمانان مہین پرست مبارز فعال علیه امیرالیسم و در راه آزادی وطن و پیشروی در راه ترفی و تعالی هستند . در ایران هم که در آجا انقلاب ضدامیرالیستی انجام گرفت همین وضع مشاهده می شود .

اتحاد شوروی نقش مترقی مسلمانان پاکدامن ایران را که مجدانه علیه امیرالیسم و در راه استحکام پایه های استقلال مہین خود مبارزه می کنند ، هرگز مسکوت نگذاشته و نمی گذارد . مطبوعات شوروی دائما مقالات و گزارش های میسوطی در باره اوضاع ایران انتشار می دهند و به نقش مهم آن قشرهای روحانیون مسلمان اشاره می کنند که در راه ایران نون و برضد دسیسه کاری های امیرالیسم آمریکا که برای صلح خطرناک است مبارزه می کنند . مطبوعات شوروی همچنین متذکر می شوند که نیروهای مرتجع در داخل ایران تلاش می کنند که ماهیت انقلاب ایران را تغییر

دوست و مدافع حقوق و منافع ملی آنهاست کشور ما در تمام طول تاریخ بعدی از اصول احترام به ملت های مسلمان و برقراری و توسعه مناسبات مبتنی بر اصل همکاری متساوی الحقوق و حسن همجواری که لنین اعلام کرده درهای منحرف نشده است . لنین کیر مبارزه آزادیخواهان ملت های مسلمان را پتانسیل ضدامیرالیستی و ضداستعماری می دانست . لنین نوشته است :

" ما سوسیالیست ها باید از این جنبش پشتیبانی کنیم و خواست های روحانیون پاکدامن و صادق را تماما برآورده سازیم "

اتحاد شوروی حالا هم مانند دوران حیات لنین عقیده دارد که ملت های مسلمان برای مبارزه ضد امیرالیستی و در راه پیشرفت کشورهای خود امکان های بالقوه زیادی دارند . لغونید برژنف از پشت تریبون بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست های کشور ما این مطلب را با وضوح تمام بیان داشت و گفت :

ما کمونیست ها به عقاید مذهبی اشخاصی که پیرو دین اسلام و دیگر مذاهب هستند احترام می گذاریم . اصل موضوع این است که نیروهایی که این و آن شعار را می دهند ، چه هدفی از آن دارند در زیر پرچم اسلام می تواند مبارزه آزادیخواهانہ صورت

اتحاد شوروی نسبت به مسلمانان و سنتها و رسوم آنها احترام زیادی می گذارد سیاست احترام به مسلمانان و شناسایی حقوق برابر آنها را لنین بزرگ ، بنیانگذار نخستین کشور سوسیالیستی درجهان به ما وصیت کرده است . پیش از انقلاب سوسیالیستی اکثر مسلمانان روسیه هم مانند نمایندگان دیگر ادیان تحت ستم ملاکین و سرمایه داران قرار داشتند . انقلاب کیر اکثر نظام استعمارگرانہ را سرنگون ساخت و کلیه اهالی کشور ما از جمله مسلمانان را از شر تمام اشکال ستم اجتماعی و ملی و مذهبی رها ساخته و حق آنها را برای شرکت در ساختمان بنای زندگی نوی اعلام کرد . یادآور می شویم که انتشار پیام به عنوان تمام مسلمانان زحمتکش روسیه و خاورزمین یکی از نخستین اقدامات جمهوری نوییاد شوروی بود . در این پیام آمده است :

" مسلمانان روسیه ! تمام کسانی که مساجد و معابد آنها ویران می شد و عقاید مذهبی و رسومشان از طرف تزارلیسم پایممال می گردید و زیر ستم قرار می گرفتند ، از این به بعد عقاید مذهبی و رسوم شما مسوسات ملی و فرهنگیتان آزاد و مضمون اعلام می گردد به زندگی ملی خود آزادانه و بدون مانع سر و سامان بدهید شما این حق را دارید "

از این سند تاریخی در کشورهای خاور و از طرف تمام مسلمانان با رضایتندی عمیق استقبال شد . پیام خطاب به مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین با کارهای عملی تقویت یافت . دولت شوروی از قراردادهای نابرابر که دولت تزاری به دولت ایران و دیگر کشورهای خاور تحمیل کرده بود ، صرف نظر کرد و روابط دوستانه با آنها برقرار ساخت و آنها را در مبارزه علیه امیرالیسم و استعمار یاری می نمود . این امر به ایران ترکیبه و افغانستان کمک کرد تا به راه استقلال ملی قدم بگذارند . مردم مسلمان ایران و دیگر کشورهای خاور زمین عملا دیدند که روسیه شوروی

بقیه از صفحه ۶

## شورای کارخانه ...

برنامه ریزی صنعتی بسیار ضروری است  
۵ - انتخاب مدیران انقلابی و متعهدی که باید دواشوش کارگران و شورای کارخانه به امرنامه ریزی در جهت افزایش تولید و قطع کامل واسنجی و صنعت و تأمین خودکفایی و استقلال اقتصادی همت گمارند  
۶ - در رابطه با تعهدات فوق ضروری است دفتر مرکزی شرکت برحسوس (در سهران) نیز حتی الامکان تعطیل شود و یا در صورت لزوم دامنه فعالیتش به حضور یک نفر و بسا یک واحد کوچک نادرگانی منحصر و محدود گردد .

کامل آنها) با یکدیگر مجتمع شده و یک شرکت لاستیک سازی مادر را ( مثلا تحت عنوان شرکت لاستیک سازی ایران ) ایحاد کنند با این ناکید که هریک از آنها بطور محضرا هویتشان را به عنوان یک شرکت مستقل حفظ خواهند نمود .  
اینگونه اقدامات ( ایحاد مرکز رسته ای در صنایع دارویی ، شیمیایی ، نساجی و ... سازمان دادن یک واحد مادر برای فراگیری همه آنها ) باید علی العموم و یا به پای توسعه صنایع گسترش یابد . این امر از نظر ایحاد امکانات تمرکز رسته ای در فعالیت های اقتصادی و تسهیل در امر

# آنکس که بمب منفجر می کند در میدان راه آهن مثل همان کسی است که با آدم بی تفصیر را بازداشت می کند (حجت الاسلام رفسنجانی)

در هفته گذشته همانند چند هفته اخیر اکثر مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران بخش مهمی از سخنان خود را به توضیح پیروان ضرورت استقرار حکومت قانون اختصاص دادند. امام خمینی رهبر انقلاب در دیدار با شورای عالی قضایی تاکید کرد:

باید مقررات اسلام و قانون کاملا رعایت شود و باید از تجاوزات به هر صورت از سوی هر کس که باشد جلوگیری به عمل آید

همچنین حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در موضع رئیس قوه مقننه در آستانه دوازدهم آذر دومین سانروز همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ادامه سخنان هفته گذشته خود گفت:

" اگر ما مایلم سالم و راحت و با آسایش و فضیلت زندگی کنیم راهی غیر از این نداریم که تسلیم قانون شویم

وی سپس با اشاره به این مسئله که قانون شکنان از هر قماش به هدف واحدی خدمت می نمایند گفت:

" آن کس که بمب منفجر

می کند در میدان راه آهن مثل همان کس است که یک آدم بی تفصیر را بازداشت می کند. ماهیت قضیه ایجاد این روحیه در مردم است که با ایستادن وضع نمی شود زندگی کرد

بیان این سخن از جانب مسئول قوه مقننه نشانگر همه جانبه نگری و درک واقع بینانه ایشان نسبت به یکی از مهمترین ضرورت های انقلاب است و ما از این سخن به مثابه بیروزی مهم برای تمام نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استقبال می کنیم و آن را آغاز مرحله ای جدید در سمت گیری انقلاب به سود تائین خواست محرومان و مستضعفان جامعه می دانیم.

اگر این درست است که مصوم اصلی توطئه هشتم امپریالیسم علیه جمهوری اسلامی ایران گسترش هرج و مرج و بی قانونی به هر طریق ممکن است آنگاه مهمترین ملاک ارزیابی پای بندی هر فرد و یا نهاد به آرمان های انقلاب بر اساس میزان تعهد و پای بندی وی به اجرای بدون خدشه قانون محکم زده خواهد شد.

این یک ملاک عینی و واقعی است که هر زمان امپریالیسم امریکا به مثابه دشمن اصلی انقلاب، نابودی سنگر معینی را هدف قرار می دهد، نیروهای وفادار به انقلاب برای درهم

شکستن این تلاش ضد مردمی باید انقلاب را درست در همان موضعی که مورد تهاجم قرار گرفته با تمام نیرو تقویت نمایند. امروز قانون شکنی سنگر آمریکای جنایتکار و مزدوران آن است، در حالی که استقرار قانون و اجرای بدون خدشه قانون اساسی خواست عاجل توده ها و نهادهای انقلابی است

این خطای بزرگی خواهد بود هرگاه نیروهای مدافع انقلاب دشمنان حکومت قانون را تنها نیروهای جنبه براندازی به سرکردگی امریکای جنایتکار بدانند که با بمب گذاری و ترور می کوشند فضای عدم امنیت و هرج و مرج را در کشور حاکم نمایند. برای انقلاب همواره مبارزه با دشمنان آشکار انقلاب هر چقدر هم که نیرومند باشد بسیار آسان تر خواهد بود تا کسانی که در نهادها و ارگان های جمهوری اسلامی ایران در مقامات رسمی و از موضع دفاع ظاهری از اسلام و انقلاب خود را پشایبند هیچ قانونی نمی دانند و با اعمال بی رویه و خلاف قانون، قانون شکنی می کنند و ناراضی می تراشند امروز ماهیت تولید

تروریست های اقتصادی و سیاسی برای مردم و نهادهای انقلابی کاملا آشکار است ولی هنوز شناخت بسیاری از نیروهای طرفدار خط امام از آن عناصر و نیروهای

قانون شکن که به ظاهر در چهره دوستان انقلاب و مدافع خط امام ظاهر می شوند و با قانون شکنی اعتماد توده ها را به انقلاب از درون درهم می شکنند. کافی نیست و اغلب ملاحظه می شود که در برخورد با آنها مسامحه کاری و تزلزل وجود دارد. در حالی که به اعتقاد ما خطر کسانی که از درون انقلاب را تخریب می کنند کمتر از دشمنان آشکار نیست و چه بسا که جنگ اعلام نشده آنها علیه جمهوری اسلامی کارسازتر از جنگ آشکار جنبه براندازی باشد در همین جاست که در صورتی که سخنان حجت الاسلام رفسنجانی رهنمون عمل نیروهای مدافع انقلاب قرار گیرد، می توان مطمئن بود که امپریالیسم امریکا در اجرای جنایتکارانه ترین توطئه ها با شکست قطعی مواجه خواهد شد. ما تاکنون بارها نسبت به عواقب عملکرد قانون شکنانه عناصر و نیروهای قشری و تنگ نظر در جمهوری اسلامی ایران هشدار دادیم و از مسئولین خواسته ایم که با قاطعیت انقلابی در مقابل حاملین چنین گرایش هایی ایستادگی نمایند. تصفیه های غیرقانونی و بی رویه، تفتیش عقاید، خودسری در بازداشت و محکومیت افراد مواردی است که هر روز دهها نمونه آن اتفاق می افتد.

در جریان مبارزه دادگاه های انقلاب بسا تروریسم تاکنون موارد متعددی از محکومیت و اعدام اعضا و هواداران فدائیان اکثریت که پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند ملاحظه گردیده که ناشی از غرضورزی و اعمال شتابزده مسئولین دادگاه های مربوط بوده است

در آستین خودمان مثل توده های، فدائیان خلق اکثریت، ساواکی ها و افسراد لامذهب و لیبرالها کسه در ادارات و وزارتخانه ها و حتی مجلس از آنها وجود دارد و دائما در حال توطئه و نقشه کشیدن برای خیانت به این مملکت هستند داریم می پرورانیم "

مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان انقلاب، دامن زدن به اختلاف و نفاق در میان نیروهای پشتیبان و مدافع انقلاب و خط مردمی

هیچ خبر برای ضدانقلاب خوشایندتر از آن نیست که شاهد چنین اعمالی از جانب مسئولین امور باشد زیرا همانگونه که ما پیش از این نیز گفته ایم هر حکم اعدام غیرقانونی یک حکم اعدام قانون است اگر مسببین چنین اعمال خلاف قانونی معرفی و مجازات کردند، مردم اطمینان می یابند که آنچه در کسلا مسئولین جاری است در عمل نیز خلاف آن خواهد شد.

در هفته گذشته دادستان کسل کشور نیز به دنبال سخنان قبلی دادستان انقلاب بار دیگر تاکید کردند که در حال حاضر بهترین معیار برای مبارزه با ضدانقلاب اجرای بی خدشه اطلاعیه ده ماده ای دادستان انقلاب است. بر این اساس می بایست آن دسته از اعضا و هواداران سازمان ما و حزب توده ایران و یا هر جریان دیگری که خود را ملزم به رعایت اطلاعیه ده ماده ای می داند، از زندان آزاد گردند و شرایط لازم برای فعالیت قانونی تمام نیروهای مدافع انقلاب فراهم شود. توده های مردم باید اطمینان داشته باشند همانگونه که خود خواهان رعایت موازین آن هستند، مسئولین امور نیز خود را پای بند و متعهد به اجرای دقیق قانون می دانند و تنها بر این پایه است که میان مردم و دولت هماهنگی و اعتماد بیش از پیش تحکیم می یابد. چنین پیوندی نیرومندترین و اطمینان بخش ترین عامل دفاع از دستاوردهای انقلاب است

امام خمینی نتیجه آشکار گفتار و اقدامات آقای فدایی نماینده مجلس است. ما تنها به این بسنده می کنیم که یادآور شویم چنین نمایندگانی با اظهاراتی از این دست بیش از هر چیز در راه بی اعتبار ساختن خود گام برمی دارند. انقلاب در راهها و آموزش های خود را به مردم و نیروهای صدیق پیرو خط امام داده است. آقای فدایی اگر ریگی در گفتمان نیست در این آموزش ها و درس های انقلاب درنگ کنید که زمان بدون گذشت بر شما خواهد تاخت و آن وقت دیگر خواهد بود.

## چه کسانی مار در...

بقیه از صفحه ۲۰

ایران در این دام امریکا ساخته در غلطیدند، کسانی بوده اند که در برابر واقعیات روشنی که حاکی از دفاع بی دریغ و فداکارانه توده های ما و اکثریتی ها از انقلاب و خط مردمی امام خمینی است عنودانه مقاومت کردند، این واقعیات را نادیده گرفتند و در دشمنی کینه توزانه شان نسبت به طرفداران راستین سوسیالیسم علمی (توده ای ها و فدائیان اکثریت) اصرار ورزیدند.

آری تاریخ گواهی می دهد که اصرار در دشمنی با طرفداران راستین سوسیالیسم علمی به خیانت به مردم، خیانت به انقلاب و دوستی با امریکای جنایتکار می انجامد. متأسفانه امروز نیز بسیار کسانی هستند که به هشدار و درس بزرگ انقلاب بی اعتناء باید گفت حتی در مقامات حساس جمهوری اسلامی نیز از این افراد فراوانند که بیشترین خدمت را به

امریکای جنایتکار می کنند و در آستین خود کشمیری ها و کلاهی ها می پرورانند و در حقیقت شریک جرم جنایتکارانی هستند که فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب و نخست وزیری را آفریدند. آقای اسماعیل فدایی، نماینده سریند اراک یکی از این نمونه هاست. جناب ایشان که بسیار هم با شور و حرارت گویا از انقلاب دفاع می کردند طی سخنان خود که در جلسه علنی روز سه شنبه آذرماه مجلس ایراد کرد گفت:

" متأسفانه امروز ما مازهایی را داریم

بقیه از صفحه ۲۰

### نگذارید کلاسهای

## ایدئولوژی اسلامی به...

در این میان افراطیون مذهبی را هم نباید از قلم انداخت که برغم ضدیت باطنی با آمریکا، تکیه‌گاه جریان‌های مشکوک و ضدانقلاب واقع می‌شوند و در عمیل آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند. در حالی که امام می‌گوید: تمام گرفتاری‌های ما از آمریکاست و هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، ایان از خط‌سر آمریکا ساخته کمونیس دم می‌زنند و شوروی را دشمن اصلی می‌دانند. و بیشترین مبارزه را با طرفداران سوسیالیسم علمی می‌کنند.

واضح است که در یکی از حساس‌ترین نهادهای کلیدی جامعه یعنی آموزش و پرورش نیز این تنوع و تقابل برداشت‌ها از اسلام وجود دارد که طرفداران هر یک بر پایه موضع‌گیری اجتماعی معین می‌گوشند تا بینش خاص خویش را هر چه بیشتر در آنجا اشاعه دهند. جریان‌های مشکوک و معلوم‌الحالی از قبیل "انجمن حجیه" در لوی اسلام به کشت و پرورش بذره‌های مسمومی کمر بسته‌اند که شمره‌ای جز آلوده کردن اذهان و ایجاد نفاق در میان نیروهای انقلاب و نهایتاً تضعیف آنان بهار نمی‌آورد. یکی از "مربیان" که بنا به گفته خودش در کلاس‌های ایدئولوژیک هفتاد تا هفتصد نفره تدریس می‌کند و در واقع "حرفه‌ای" این کار است در اجتماعی از معلمان یکی از مناطق تهران که برای شنیدن مباحثی پیرامون شناخت اسلام گرد آمده بودند، اظهار داشت که تمام ایسم‌های صدساله اخیر از جمله مارکسیسم توسط صهیونیست‌ها پایه‌گذاری شده است منظور از این مقدمه‌چینی‌ها برای بسیاری از مردم انقلابی روشن است. کویندگان از این نوع از احساسات ضد صهیونیستی توده‌های مبارز میهن ما آگاهند و درست به همین دلیل است که حملات

تسلید می‌زند و غارت و بهره‌کشی ستم‌دیدگان زمین را از هر رنگ و نژاد و با هر عقیده و مسلک که باشند نفی می‌کند، حق طبیعی و وظیفه شایسته هر مسلمان معتقد و مومنی چه در حکومت و چه در خارج از آن است. کوشش مسلمانان مبارز در این راستا مورد تایید و پشتیبانی تمامی نیروهای است که مبارزه در راه براندازی ظلم و بیداد و نابودی فقر و جهل را وجهه همت خویش قرار داده‌اند. اما سؤال اینجاست که آیا جریان‌ها و عناصر مختلف که زیر لوای اسلام و به نام اسلام فعالیت می‌کنند مضمون و هدف واحدی از تبلیغ آن را مد نظر دارند؟ مسلمانان اختلاف در برداشت‌ها و درک‌های متفاوت از یک مکتب و حتی سوءاستفاده از نام آن نه منحصر به اسلام است و نه محدود به امروز و دیروز می‌شود. سالیان سال است که احزاب بورژوازی اروپای غربی زیر نام سوسیالیسم دموکراسی و در حقیقت علیه سوسیالیسم و علیه دمکراسی توده‌ها به فعالیت ادامه می‌دهند. دور نرویم، در کشور ما نیز "پیکاری‌ها" و "رنجبری‌ها" و انواع و اقسام مافوق‌تک‌ت‌های نفاذار و بی‌نقاب در حالی که به ساز آمریکا می‌رقصدند خود را در جامه مارکسیسم پنهان می‌سازند. از جانب دیگر تجربه انقلاب میهن ما بهترین نمایشگاه برای عرضه برداشت‌های متفاوت و حتی متضاد از اسلام بوده است. یکی اسلام لیبرالها و شرکاء رنگارنگ آنهاست که هنوز هم سودای به سازش‌کشانیدن "گام به گام" انقلاب را در سر می‌پروراندند و با هزار قسم و آیه می‌خواهند ثابت کنند که "ما با آمریکا جنگی نداریم" و دیگری اسلام اصم خمینسی و بیسروان روشن‌بین ایشان است که معتقدند "ما تا آخر علیه دولت آمریکا مبارزه می‌کنیم" سلطه آمریکا تمام بدبختی‌های ملل مستضعف را به دنبال دارد.

انقلاب‌شکن این تبلیغات پی نرده‌اند. عین همین تبلیغات زهرآلود و بسته‌بندی شده را با خود به محیط مدرسه و کلاس درس می‌برند و آنگاه چه بسیار از آنان که ناخواسته در ذهن ساده و پرشور دانش‌آموزان بدر نفاق می‌باشند. در نتیجه کلاسی که می‌باید اتحاد همه مردم را علیه امپریالیسم و صهیونیسم آموزش دهد، گانونی برای اشاعه تفرقه و جدایی می‌شود و شکست انقلاب را تدارک می‌بیند.

بستن راه بر نفوذ جریان‌های ضدانقلاب و مشکوک ضرورت انقلاب است

ما همانگونه که بارها تاکید کرده‌ایم تا زمانی که مسئولین جمهوری اسلامی از بکار گرفتن معیارهای صحیح و اصولی در تشخیص دوست و دشمن خودداری نمایند، به ناگزیر خطر بالقوه و بالفعل

خویش به نیروهای انقلابی را زیر همین پوش انجام می‌دهند. وی پیس از مقدمات لازم در ادامه صحبت‌هایش مدعی شد که: "لنین خود یک صهیونیست بود که به همراه ۲۹ نفر از خارج وارد روسیه شد و انقلاب میلیون‌ها تن از مردم را با کمک ۴۴۲ نفر یهودی، ۹۹ نفر سرمایه‌دار و یک کارگر بیچاره که بعدها به دستور لنین به قتل رسید بسط انحراف کشاند!"

ماهیت غرض‌آلود و بداندیشانه این سخنان آشکارتر از آن است که نیازی به پاسخگویی داشته باشد. از نظر ما شنیدن اینگونه دروغ‌ها و تحریف‌های جنون‌آمیز از بوق‌های امپریالیستی امر غیرمنظره‌ای نیست، اما جای تأسف آنجاست که در برخی از کلاس‌ها و ارگان‌های رسمی جمهوری اسلامی مانند نمونه فوق که قاعدتا باید جایی برای معرفی اسلام پیگار جو و حق طلب باشد، افرادی راه یافته باشند که

مهمترین وظیفه خود را تبلیغ اسلام و عظام السلاطین و تکرار ترهات محافل امپریالیستی و وزندگان و مطرودین اردوی انقلاب جهانی بدانند. افرادی از این دست هیچ آثاری ندارند که میلیون‌ها کمونیست شوروی ویتنامی، کوبایی، فلسطینی و... را که سالیان دراز همراه و پیشاپیش مردم خود با قلبی سرشار از عشق به کارگران و زحمتکشان و نفرت از امپریالیسم، صهیونیسم و وابستگی‌شان مبارزه کرده‌اند و می‌کنند، خودسرانه در صف ریگان و مناخیم بگین قرار دهند. با تظاهر افراطی به مذهب و با اتکا به جعلیات تلاش می‌کنند تا میان مسلمانان صدیق و مبارز و هواداران راستین سوسیالیسم علمی تخم کینه و نفاق بکارند و مانع از اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب شوند.

انبوه معلمانی را در نظر آوریم که در این کلاس‌ها به جای روبروشدن با اسلام مورد قبول امام خمینی و پیروان راستینشان با اسلامی از نوع اسلام "حجیه" روبرو می‌شوند. شکی نیست که بسیاری از معلمان که به ماهیت و منظور "اسلام" اخیر آگاهی دارند از این کلاس‌ها رو بر می‌تابند. اما عده‌ای دیگر که احياناً به جوهر فریبکارانه

نفوذ دشمنان انقلاب در حاسن‌ترین ارگان‌های جمهوری نوپای ما همچنان باقی خواهد بود. کسانی که بخواهند یا در عمل چنان کنند که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا را از زیر ضرب خارج نمایند پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم را دست‌نخورده باقی گذارند و دشمنی با دوستان انقلاب را تبلیغ کنند، هرچند از دشمنی با دشمنان انقلاب نیز دم زنند، از نظر ما مزدوران با جیره بی جیره و موجب امریکای جنایتکارند.

وقت آن است که مسئولین جمهوری اسلامی به اهمیت رفع خطر جریانات و محافل مشکوک به‌ویژه در محیط آموزش و پرورش با دقت بیشتری بپندیشند و با هشجاری و قاطعیت لازم دست این عوامل را از نفاق‌انگیزی و کارشکنی کوتاه سازند و نقاب از چهره دوستان ریایی انقلاب‌گیرند!

بقیه از صفحه ۹

### نگاهی به برنامه بهداشت...

انتخاب بهترین راه‌حل اجرایی و توسعه و گسترش آن برای پاسخگویی به نیازهای جامعه ما بشیم. خامسا با اجرای سیاست منطقدای کردن ارائه خدمات بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، و تفویض اختیار به مسئولین مجلس و اتحاد سیاست عدم تمرکز همراه با برنامه‌ریزی و کنترل متمرکز در کلی‌ترین وجوه، سریع‌ترین و مناسب‌ترین پاسخ را به نیازهای بهداشتی درمانی جامعه بدیم با ملی‌کردن شرکت‌های چندملیتی و خصوصی دارویی و اجرای طرح ژنریک و محدود کردن اقدام دارویی و دز انحصار گرفتن ورود و توزیع دارو توسط دولت (بند ۳ برنامه دولت) می‌توانیم دست چپ‌اولگران و غارتگران دارویی بین‌المللی و وابستگان داخلی آنان را از جان و مال مردم قطع نماییم و ضمن یکپناخت کردن اقدام دارویی بخش خصوصی و دولتی که باعث رونق بخش دولتی و کنترل بخش خصوصی می‌گردد، انسر زیانبخش تبلیغات کمیاتی‌های دارویی را در عمده‌کردن درمان خشکی کیم تا در عمل اولویت را به بهداشت داده باشیم.

روستایی برسانیم، آب روستاها را سالم سازیم و تغذیه زحمتکشان و فرزندان‌شان را بهبود بخشیم تا قادر شویم از مرگ و میر سالانه بیش از دهها هزار کودک کمتر از یک سال جلوگیری کنیم. ثالثا با تکیه بر آموزش بهداشت از طریق رسانه‌های گروهی، مردم را با اصول کلی بهداشت و نقش آنان در تأمین سلامت خود و جامعه آشنا نمود. و از یک طرف به آنان آموخت که سلامت جامعه در درجه اول به تغذیه صحیح، ورزش، رعایت موازین بهداشتی ارتباط دارد و از طرف دیگر با ارائه خدمات متناسب با نیاز مردم رضایت و مشارکت هرچه بیشتر آنان را در مراحل مختلف برنامه‌های بهداشتی درمانی (برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی) جهت مراقبت از خود و جامعه جلب نمود.

رابعاً سعی شود که برنامه‌های تحقیقاتی درباره مسائل بهداشتی درمانی شایع کشور تقویت گردد و راه‌حل‌های اجرایی تحقیقی متناسب با نیاز جامعه آزمایش شود و با ارزشیابی مداوم توسط سازمان‌های دولتی و شوراهای مردمی قادر به



رفیق فرزین شریفی

### ما رفتیم شما را ادامه دهید

در همان لحظه که رفیق فرزین شریفی عضو فداکار و سخت‌کوش سازمان ما بر اثر یک سوء تفاهم غم‌انگیز و غرض‌ورزی به جوخه اعدام سپرده شد ، رفیق گیتا علیشاهی تودهای مبارز نیز بر اثر همان سوء تفاهم غم‌انگیز آماج تیرهای جوخه اعدام گردید . شاهدان عینی می‌گویند فرزین در طنین صفیر گلوله‌های آتشین ، شجاعانه و با ایمان شعار می‌داد

زنده باد فدائیان خلق (اکثریت)

و همین شاهدان نقل کرده‌اند که گیتا نیز با شجاعت و ایمان استوار به پیروزی خلق شعار می‌داد :

زنده باد حزب توده ایران

فرزین و گیتا دو مبارز خستگی‌ناپذیر راه استقلال و آزادی ایران ، دو پشتیبان پیگیر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی ، دو هم سنگر یگانه راه زحمتکش و دو پیکارگر سوسیالیسم بودند .  
ما آنچه را که حزب در رثای گیتا انتشار داده است ، شایسته همه گیتاها و فرزین‌ها می‌شناسیم و واپسین پیغامشان را ، که آنها در آن زنده هستند چون سرودی در جهان خود تکرار می‌کنیم :

" ما رفتیم ، شما را ادامه دهید "

● شهادت نامنظره رفیق گیتا علیشاهی که بر اثر یک سوء تفاهم غم‌انگیز روی داد صرف‌نظر از جوهر سر فاجعه‌آمیز آن ، نمایشی از شور و ایمان و وفاداری بود . این حادثه‌ای نیست که به آسانی فراموش شود . هم از آن جهت که از زخمی که از این مرگ بر تن حزب افتاد خونی سوزان و جوان می‌چکد که خاکستر آرزوهای شریفی در آن موج می‌زند ، هم از آن جهت که فلسی که با این خون می‌تپید ، تنها گناهی که به گردن می‌گرفت ایمان به انقلاب و آثار واقعی و عملی در راه آن بود ، ولی به اتهام واهی شورش بر ضد انقلاب از حرکت بازماند و هم از آن جهت که این جوانه حزب تا آخریمن نفس توده‌ای ماند ، با منش توده‌ای بیکار کرد ، با عشق توده‌ها در برابر مرگ ایستاد و با شعار سوزان " زنده باد حزب توده ایران " به خاک افتاد . حزب ما می‌تواند به خود بخالد که دامن و مکتبش پرورنده چنین فرزندان است .

رفیق گیتا علیشاهی روز یکشنبه ۵ مهرماه ۶۰ ، هنگامی که برای گرفتن جواز تدریس در کلاس‌های سوادآموزی عازم مرکز بسیج سوادآموزی بود ، در حوالی خیابان وصال اشتباها دستگیر شد . ظاهراً محل بازداشت " گیتا " چند دقیقه پیش از آن صحنه تظاهرات موضعی گروهی از اعضا و هواداران " مجاهدین خلق " بود . " گیتا " نیمه‌شب همان روز پیش از آن که مجال یابد بیگناهی خود را اثبات کند ، به جوخه اعدام سپرده شد .

خرهای پراکنده‌ای که از آخرین دقیق زندگی گیتا به دست ما رسیده ، بازگوی

حماسه‌ای بی‌ادعا و شورانگیز است ، که حاذبه آن در سادگی آن ، و معصومیت آن در وفاداری ناب آن است . گیتا وقتی مطمئن شد که لحظه مرگ فرارسیده ، فریاد زد :

" من توده‌ای‌ام و توده‌ای نمی‌تواند در جبهه مخالف انقلاب باشد ."

اما این برهان قاطع بیگناهی ، بدون جواب ماند و نهال جوان حزب ما ، در وصیت‌نامه‌ای که آن را به نام " انقلاب بزرگ ایران و حزب توده ایران " آغاز کرد ، خطاب به خانواده نوشت :

" تنها وصیت من این است که هرگاه نشانی از حزب عزیزم که تنها دلخوشی من در زندگی بود ، دیدند ، و وقتی انقلاب را شکوفان‌تر یافتند ، یادی از این حقیر هوادار کنند "

گیتا آخرین سوسه را بر گونه برادر کوچکترش با این پیام وداع زد :

" مهرداد جان ، خوب درس بخوان و همیشه بخیر و بخوان . سعی کن در

زندگی مرد یا شیامتی باشی

و آنگاه ایمان پاک و زنده‌اش را در این جمله کوتاه نمود .  
" ما رفتیم ، شما را ادامه دهید ."  
پاینده باد انقلاب بزرگ مردمی ایران درود بر خمینی پرافتخار ارانی "

یک شاهد عینی نقل کرده است :

" حوالی نیمه‌شب جمعی را از دیگران جدا کردند و به حیاط اوین بردند ، گیتا در میان آنها بود وقتی صدای پای آنها قطع شد و پیش از آنکه صفیر گلوله‌ها در سکوت شب بپیچد ، نخست مردی شعار داد :

زنده‌باد فدائیان اکثریت !

و فریاد گیتا که طنین عجیبی داشت ، گوش‌ها را پر کرد :

زنده‌باد حزب توده ایران

هیچ لرزشی در صدایش نبود .

مرگ " گیتا " پیام قلبی است که در سینه خلق می‌تپد در این قلب کوچک و با صفا درفش مبارزه در سخت‌ترین تندباد در اهتزاز است و دختری به زلالی صبح ، با صدای خونین از میان تندباد آوار می‌خواند :

" راه مرا ادامه دهید ... "

اما زندگی گیتا از حماسه مرگ او هیچ کم نداشت . می‌توان گفت که مرگی چنان ادامه منطقی یک زندگی پر بار و پرمعنی بود .

گیتا در هنگامه انقلاب به حزب توده ایران روی آورد چنان به حزب جوش خورد که زندگی شخصی خود را یکسره وقف آرمان‌های توده‌ای آن کرد . وصیت‌نامه کوتاه او ، که جا به جا با نام و با عشق حزب درآمیخته از این پیوند درونی حکایت می‌کند . یک سال پیش از انقلاب وارد دانشکده تربیت معلم شد و به زودی نزدیک‌ترین همکاری فعال را با دانشجویان دمکرات - سازمان جوانان توده ایران آغاز کرد . وقتی دانشکده‌ها تعطیل شد بیشتر به کارهای اجتماعی ، که سرشت انقلابی داشته بگرایید . کارنامه او در این عرصه به راستی تحسین‌انگیز است :



رفیق گیتا علیشاهی

- در مسجد امام حسین خیابان کمیل - با همکاری اهل محل برای جنگ‌زدگان جامه و دارو تهیه می‌کرد و لباس می‌دوخت .

- در مسجد جعفریه - خیابان امامزاده حسن تا آخرین روز شهادت به آموزش سالمندان اشتغال داشت . و بر اثر این مسئولیت با مرکز کانون سوادآموزی در خیابان وصال - محل دستگیری‌اش در ارتباط بود .

- برای سوادآموزی به آلونک‌نشینان خیابان زحان شمالی ، از خور و خواب خود می‌زد . برای تامین آب و برق و بهداشت این توده‌های محروم و حاشیه‌نشین ۱۸ ماه پیایی در تلاش و دوندگی خستگی‌ناپذیر بود .

- سوادآموزی و تعلیم خیاطی به ساکنان مستضعف یک بلوک آپارتمانی را در لابلای برنامه فشرده کارهای اجتماعی خود گنجانده بود . گویی هر جا فقر و نیاز بود ، گنجینه " گیتا " خود را بیدریغ نثار می‌کرد .

- در کانون رسالت ، دوره آموزش کمک‌های اولیه را طی کرد و کارت قبولی دریافت کرد .

گیتا می‌آموخت و می‌آموزاند . جسم کوچک او این همه نیرو و شور را از جان سوزان و طبع توده‌ای او به وام می‌گرفت . در دیگران خود را فراموش کرده بود . حزب برای او مبداء و مقصد و جذب و اعتقاد بود . در وجود حزب همه‌مسه دلاوران و قدیسان و صدای خاموش‌نشده قافله‌ای طولانی از شهیدان خردمند را می‌شنید . آخرین کلامی که بر لب آورد نام " حزب توده ایران " بود و با این رویای مطمئن جهان را ترک گفت .

ما رفتیم شما را ادامه دهید

# پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید★



# شکست کنفرانس فاس

## و ضرورت هماهنگی نیروهای انقلاب در منطقه

● کنفرانس سران عرب در فاس به خاطر اعتراض خلقهای منطقه به اهداف آمریکایی طرح فهد و عدم شرکت برخی سران عرب، تناقضات شکننده درونی آن و همچنین اوضاع عمومی منطقه در نیمه راه متوقف ماند و با شکست روبرو شد. هم‌اکنون آمریکا و انگلستان به اتفاق برخی دول مرتجع منطقه مانور جدیدی از قماش ستاره درخشان را در منطقه خلیج فارس تدارک می‌بینند. آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال ملاقات اسحق شمیرا با الکساندر هبک سرگرم انعقاد یک قرارداد استراتژیک هستند و در حالی که تحریکات اسرائیل در جنوب لبنان رو به فزونی است مسئله امکان یک رویارویی جدید در این منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد.

اوضاع متحول و پیچیده خاورمیانه در راستای نبرد آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه خلقهای محروم منطقه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع هر روز سیمای جدیدی می‌یابد. تحریکات و تسوؤطه‌های امپریالیستی قدرت‌نمایی نظامی، سیاست ارباب و تهدید، گسترش تشنج و دام‌نزدن به جنگ سرد، تهدید صلح جهانی که همگی تحت عنوان دفاع از "منافع حیاتی" امپریالیسم بسرکردگی آمریکا در جهان صورت می‌گیرد، خاورمیانه را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. در مقابل، خلقهای تحت ستم هر روز بیشتر از پیش بر منافع، خواسته‌ها و اهداف تاریخی خود وقوف می‌یابند. امواج مبارزات رهاگیش ملی با درهم شکستن تلاش‌های مذبحخانه امپریالیسم راه خود را در جهت کسب استقلال ملی و آزادی اجتماعی هم‌سوار می‌سازد.

اینک، در حالیکه نیروهای انقلابی منطقه در راستای مبارزه ضد امپریالیستی اتحاد خود را مستحکم‌تر می‌سازند و تلاش‌های سازنده آنها

دستاوردهای گرانقدری چون تشکیل "جبهه مقاومت و پایداری" عقد اتحاد انقلابی بین سه کشور لیبی، جمهوری دموکراتیک یمن و ایتوبی به همراه داشته است در حالیکه اتحاد و مقاومت یکپارچه خلقهای رزمنده منطقه سیاست‌های امپریالیستی را یکی پس از دیگری دچار شکست مفتضحانه کرده است، در حالیکه استخوان‌بندی اهداف و مطامع آزمندانه و توسعه‌طلبانه آمریکا یعنی معامله کم‌دیوید در اثر این اتحاد به ورطه نابودی کامل کشانیده شده است. امپریالیسم، صهیونیسم جهانی و ارتجاع منطقه در تدارک ترفندهای جدیدی برای حفظ سلطه و نفوذ خود در منطقه می‌باشند. ارائه طرح فهد یکی از همین ترفندهاست. این طرح دقیقاً با این هدف مطرح شد که ارتجاع منطقه را حول آن متحد و هماهنگ کند. طرح کم‌دیوید در هدف امپریالیستی هماهنگ ساختن و متحد کردن ارتجاع منطقه شکست خورده بود و اینک امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به این مهم، طرح فهد را بر زمین زده است.

هماهنگی و اتحاد دول ارتجاعی منطقه برای اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا در منطقه، برای مقابله فشرده و هماهنگ با جنبش‌های آزادیبخش و دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست خاورمیانه و ایجاد شکاف میان دولتها و جنبش‌های ترقیخواه منطقه اهمیت حیاتی دارد و از همین‌رو طرح فهد دقیقاً با همین هدف ارائه گشت. دولت‌های جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین که بر اهداف آمریکایی طرح فهد وقوف داشتند با هشیاری کوشیدند مواضع یکسان و هماهنگی را علیه آن پیش برند و از همین رو پس از ارائه این طرح جبهه پایداری در یمن جنوبی تشکیل جلسه داد. پس از این اجلاس کشورهای عضو جبهه پایداری با اتحاد موضع هماهنگی مبنی بر

مخالفت با مطرح شدن این طرح در کنفرانس فاس، هدف‌هایی را که ارتجاع منطقه در کنفرانس فوق دنبال می‌کردند، با شکست روبرو ساختند.

بدون تردید سخنان امام خمینی علیه طرح فهد و به دنبال آن دعوت آیت‌الله منتظری از مردم که به تظاهرات وسیع و سراسری توده‌های انقلابی ایران انجامید، در افشای هرچه بیشتر هدف‌های آمریکایی این طرح، در منطقه تأثیر گسترده داشته است. موضع جمهوری اسلامی ایران در جوهر و ماهیت خود با موضع کشورهای جبهه پایداری هماهنگ بود. با این همه بجاست بر این نکته تأکید کنیم که هرگاه جمهوری اسلامی ایران در مسائل مربوط به منطقه و فلسطین بدون مشورت و تبادل نظر کافی با کشورهای جبهه پایداری موضع‌گیری کند، موجب عدم هماهنگی و حتی سوء تفاهات میان خود و سایر دولتها و جنبش‌های ترقیخواه منطقه خواهد شد که عواقب آن به زیان دولت‌های ترقیخواه منطقه خواهد بود. از چنین ناهماهنگی‌ها و سوء تفاهات احتمالی تنها ارتجاع منطقه خوشنود خواهد شد.

در مورد طرح فهد درست آن بود که جمهوری اسلامی برای هماهنگی و ایجاد تفاهم هرچه بیشتر در اتخاذ مواضع مشترک علیه ارتجاع منطقه با سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت‌های عضو جبهه پایداری تماس می‌گرفت تا از سویی از نظرات آنان بطور همه‌جانبه آگاه شود و از سوی دیگر نقطه‌نظرات خود را برای آنان تشریح کند. تلاش‌های حسته و گریخته‌ای که بطور عجولانه توسط برخی محافل و مقامات جمهوری اسلامی در انتقاد از سازمان آزادیبخش فلسطین و مقامات آن صورت گرفت از مواردی است که تکرار آن می‌تواند موجب سوء تفاهات و دوری دولتها و جنبش‌های ترقیخواه منطقه و نتیجتاً تضعیف جبهه انقلاب در

خاور میانه گردد. و صحیحاً بر روند تحول در ساحت خارجی نامبراب سفی کد دارد از این رو این تلاش‌ها و موضع‌گیری‌های سازنده مورد انتقاد ما است. بهر حال شکست کنفرانس فاس و شکست ارتجاع متفرد و مطرح ساختن این طرح موقتا شکست جنگری برای امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه بحساب می‌آید هرچند که امپریالیسم آمریکا و ترسستان سعودی با هم

خواهند کوشید از طرح فهد به عنوان وسایلی برای بسود مقاصد خویش استفاده کنند. ارتجاع طرح فهد در حال مستند فلسطین توسط سازمان آزادیبخش فلسطین، کشورهای جبهه پایداری و دولت جمهوری اسلامی ایران بدون تردید می‌تواند در حسی‌ساختن هدف‌های آمریکایی طرح فهد نقش مؤثر بازی کند.

### اجرای بند (ج) و (د) ...

بقیه از صفحه ۷

می‌باید و به قول امام دیگر عذری باقی نمانده است. باید به این ملت خدمت نمود. باید دست و پا بست و ضداقلابیون را بست و بیانه‌ها را از آنها گرفت. ما از کسانی که در مقابل اجرای قانون و از اجرای بند ج و د مقاومت می‌کنند می‌پرسیم که با این اعمال به چه کسانی خدمت می‌کنید؟ به انقلاب اسلامی، به محرومین جامعه؟ یا به مشتی فتوادل زالوصفت ضداقلاب که دشمنی‌شان با انقلاب، بارها و بارها در طول حیات آنها ثابت شده است. ما از مسئولین امر برای چندمین بار ضمن دفاع از انقلاب اسلامی و خط ضد امپریالیستی امام تقاضا داریم که به منظور تحکیم و گسترش انقلاب بند ج و د اصلاحات ارضی را به مرحله اجرا بگذارند و با این عمل انقلابی مشت محکمی بر دهان امپریالیسم و عوامل و ایادی داخلی در ایران بگویند. انشاء الله خوش‌نشینان و دهقانان روستای تازه‌آباد مورچی بخش خالصه - بالادربند

اهالی زحمتکش روستای تازه‌آباد مورچی طی ارسال طوماری به حضور رهبر انقلاب و نمایندگان مجلس خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بندهای ج و د اصلاحات ارضی شدند:

بسم الله الرحمن الرحیم درود بر شهیدان به خون خفته انقلاب. پایداری باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری عالیقدر امام خمینی. ما خوش‌نشینان روستای تازه‌آباد مورچی با عرض تبریک و تسلیت به حضور امام امت و ملت ستم‌کشیده ایران، به مناسبت شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران ایمن فرزندان راستین انقلاب برای چندمین بار حمایت قاطعانه خود را از انقلاب اسلامی و رهبریت ضد امپریالیستی امام و نفرت و انزجار خود را از دشمنان جنایتکار و ضد مردمی انقلاب از بسبب گذاران و تروریست‌های ضداقلابی و در رأس همه آنها امپریالیسم جنایت‌پیشه آمریکا، هرچه قاطع‌تر، اعلام می‌داریم.

امپریالیسم، که منافعی را در ایران انقلابی از دست داده است و با به‌زیر کشیده شدن خط آمریکایی بنی‌صدر امیدش هرچه بیشتر به ناامیدی بدل شده است، لحظه‌ای از توطئه‌چینی علیه انقلاب و برای نابودی آن ازپای نمی‌نشیند پس بر ماست که با تمام توان، از دست‌آوردهای خونبار انقلابمان دفاع کنیم. ما همصدا با تمام محرومین روستایی، همصدا با زحمتکشان سراسر کشور اعلام می‌داریم: تداوم انقلاب در گرو خدمت به محرومین جامعه

جمع‌بنی‌بخش‌ها و روستایی زحمتکش فلسطین

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
تل: ۱۱ - کاد (اکثریت) - ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۳

### انقلاب بر اختلاف

### چیزه می شود . چگونه ؟

جمهوری اسلامی ایران نفوذ کمی ندارند . جلوی اجرای بند "ج" و "د" گرفته شده ، قانسون اراضی موات شهری و قانون لغو حکم تخلیه خانه های اجاره ای از سد شورای نگهبان نگذشته است . و سرنوشت لایحه ملی کردن تجارت خارجی نیز هنوز معلوم نیست به گجا بکشسد . اجرا بشود یا نشود . هنوز تجار عمده فروش و واسطه های گردن کلفت تقریباً تمام تجارت داخلی را در دست دارند و عامل اصلی این تروریسم اقتصادی هستند که بیداد می کنند . مساله عدالت اجتماعی و بهبود سطح زندگی توده اصلی طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش و سایر محرومان شهر و روستا از طریق امحای کلان سرمایه داری و بزچیدن بزرگ مالکی و گسترش بخش دولتی و حمایت وسیع و کارساز از تعاونی های واقعی تولید و مصرف ، ضرورت اصلی و گریزناپذیر انقلاب است . برای اینکه اجازه ندهیم اختلافات فرعی عمده شود ، برای اینکه نگذاریم صفوف متحدی که از انقلاب دفاع می کنند ، بشکند باید ببینیم چه کسانی اهداف اساسی انقلاب دفاع می کنند چه کسانی تلاش می کنند و می کوشند اولاً همه دستاوردهایی که تاکنون بدست آورده ایم ، همه پیروزی هامان تثبیت شود و هر توطئه ای برای از میان بردن آنها قاطعانه سرکوب شود ، ثانیاً چه کسانی می خواهند و در عمل می کوشند که انقلاب هنوز به هدف هایی برسد که به آنها دست نیافته است اساسی ترین هدف هایی که انقلاب هنوز بدان دست نیافته است ، انجام اصلاحات بنیادینی است که سستی که بر توده های محروم مردم روا می شود را مهار می کند و می کوشد زندگی آنان را از این فلاکت نکبت بار سرمایه داری نجات دهد . اگر نیروهای مدافع انقلاب روی این شعارهای بنیادین توافق نظر داشته باشند و بدانند که توافق نظر روی این مسائل شرط بنیادین وحدت عمل آنهاست آنگاه یقیناً همه قادر خواهند بود قطع نظر از همه اختلاف نظرهایی که دارند و تنوع عقاید ، که زائیده خصلت عینی انقلاب است ، دست در دست یکدیگر شانه به شانه هم ، با گام های استوار باز هم به پیش تازند . اما اگر روی شعارهای اساسی انقلاب اختلاف نظر وجود داشته باشد ، و مثلاً کسی مدعی شود که مدافع انقلاب است اما بگوید سهم مردم کارگر و زحمتکش از انقلاب آن است که کار کنند و استثمارو غارت شوند و سهم سرمایه داران و زمین داران از انقلاب "آن است که بخورند و بنوشند و خوش بگذرانند و پول روی پول انبار کنند زیرا مالکیت حد و مرزی ندارد ، چنین کسی نمی تواند با انقلاب باشد . چنین کسی انقلابی نیست هرچند که بگوید من صد در صد مسلمانم و قادرم تمام احکام شرع را هم طوری تفسیر کنم که نه آسیبی به سرمایه دارها برسد و نه آسیبی به فقودال ها .

هشیارباشیم که در این دوره مبارزه هم مثل سابق همه منحرفین و معاندین انقلاب ، علناً علم مخالفت با انجام اقدامات بنیادین به سود مردم زحمتکش را بلند نمی کنند . فقودالیسم سرمایه داری و امپریالیسم در جهان ما چنان آبرو باختماند که هیچکس با دفاع آشکار از آنها خود را رسوا نمی کند . چشمان خود را باز کنیم و ببینیم که چگونه امپریالیسم و سرمایه داری چنان آبرو باخته و جنایتش در چشم میلیاردها مردم

راه دست یابی ، انقلاب به اهداف اساسی خود را سد کنند . قطعاً آنها راه تشدید اختلافات خود با مدافعین راستین انقلاب را در پیش خواهند گرفت ، هرچند با نام دفاع از انقلاب و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران !! آنها به تدریج با تفاله هایی که انقلاب دفع کرده است احساس انس و الفت بیشتری و با نیروهای صدید و راستین خط امام احساس غربت بیشتری خواهند کرد آنها دیر یا زود پنهان یا آشکار با لیبرالهای ورشکسته ، با جبهه چپ ها و نهضتی ها ، با مائوئیست های رنجبری ، با دم و دستگناه خوانین و سران عشایر ، با باندهای ضد انقلابی نفوذ کرده در دستگاه حکومت مربوط خواهند شد . آنها زین پس فکر می کنند دیگر دفاع از رهبری امام و تلاش شبانه روزی و صادقانه برای حفظ وحدت با همه نیروهای راستین انقلاب دیگر به سودشان نیست . آنها نسبت به نیروهای انقلابی پیگیر روز به روز بیشتر احساس بیگانگی خواهند کرد . آنها به تدریج مایوس می شوند از اینکه بتوانند این شط عظیم را به سوی مرداب بکشانند ، شط عظیمی که تحت رهبری امام میلیون ها مردم پابره نه ما را علیه شاه ، علیه امریکا ، علیه همه ستمگران و طاغوتیان به خروش آورده است . انقلاب کم کمک اختلاف خود را با این هراسزدگان از پیشرفت انقلاب حل خواهد کرد انقلابی که سد عظیم آریامهری را درهم شکسته است بی گمان توان آن را دارد که از این "خان" هم بگذرد . مشروط بر آنکه همه با هم و با وسواس تمام شعارهای انقلابمان را آویزه گوش سازیم و همان شعارها را معیار اتحاد قرار دهیم . مشروط بر آنکه از تنگ نگر و خودمحوری بپرهیزیم و این انقلاب را واقعا همان شط خروشان بفهمیم که به تمام خلق تعلق دارد و پذیرای همه دلباختگان جانبازی است که آن را به سوی دریا های بی کران پیروزی می رانند .

بقیه از صفحه ۵

### قانون اساسی را ...

اساسی ، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ما است ...

اجرای بدون خدشه قانون اساسی خواست مشترک همه نیروهای انقلاب و تمامی کسانی است که قلبشان برای شکوفایی جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمندان می تپد برای درهم شکستن توطئه های دشمنان انقلاب ایران . اجرای قانون اساسی در تمام پهنه ها راهگشا و طفرنمون است . و از همین رو اجرای بدون خدشه قانون اساسی مورد پشتیبانی همه نیروهای انقلاب ، از مباران مسلمان پیرو خط امام تا طرفداران راستین سوسیالیسم علمی است .

ضرورت حفظ دستاوردهای انقلاب ایجاب می کند که همه مدافعان انقلاب و همه کسانی که در راه اجرای بدون خدشه قانون اساسی می رزمند در جبهه ای متحد ، فشرده شوند تا پیروزمندان جبهه دشمنان انقلاب و مخالفان قانون اساسی را درهم شکنند . این یگانگی پاسخ شایسته به خون دهها هزار شهید و خواست توده های دهها میلیونی مردم زحمتکش ایران است .

نیروهای انقلاب می توانند و باید بر محور اجرای قانون اساسی متحد شوند . قانون اساسی را به پرچم اتحاد همه نیروهای مردمی و انقلابی در راه دستیابی به استقلال آزادی و عدالت اجتماعی مبدل سازیم .

زحمتکش جهان افشاء شده است که حتی خود امپریالیست ها و سرمایه داران هم به هیچ وجه حاضر نیستند بگویند " زنده باد امپریالیسم " ، " زنده باد سرمایه داری " آنها برای گول زدن مردم برای دفاع از سرمایه داری و امپریالیسم پوشش های دیگری انتخاب می کنند . امام خمینی در سخنان اخیر خود همین معنا را به رساترین شیوه ها ، بیان کردند . امام به مردم یاد داد که آنها با شعار " شاهنشاهی " به میدان نمی آیند ، آنها با شعار " جمهوری اسلامی " به میدان می آیند ولی آنچه آنچنان " جمهوری اسلامی " کسه محتوایش همان " شاهنشاهی " باشد .

سرمقاله های روزنامه جمهوری اسلامی به درستی نگرانی های فزاینده و قابل درگی را منعکس می کند که ناشی از بروز پاره ای اختلافات میان نیروهایی است که تا امروز از انقلاب دفاع کرده اند . توصیه های سرمقاله ها مبنی بر خویشتن داری و پرهیز از حمله خود بینانه به دیگران ، مشاوره و تبادل نظر صادقانه برای رفع کدورت ها و پیشداوری ها ، پرهیز از اغوا شدن به وسیله شایعات و تبلیغات نفاق افکنانه و مغرضانه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، اجتناب از قضاوت های عجولانه و شتابزده نسبت به یکدیگر ، و عمده نکردن و اصل قرار ندادن خط های یکدیگر ( که همگی توصیه های بجا ، درست و لازمی است ) ، زمانی موثر واقع می شوند که مطمئن باشیم که همه کسانی که این توصیه ها آنها را مورد خطاب قرار می دهد شعارهای اساسی انقلاب را می پذیرند و در راه تحقق آنها می رزمند . این توصیه ها تنها چشم کسانی را باز میکند و باید باز کند ، و قلب کسانی را تکان می دهد و باید تکان دهد که چشمان به مردم است و قلبشان برای انقلاب می تپد و نگران آنند که فرجام کار این پیکار خونین ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی به گجا خواهد کشید ؟ به پیروزی قطعی ؟ و یا شکست و عقب نشینی ؟ این توصیه ها فقط قلب کسانی را می لرزاند و باید بلرزاند که می خواهند و می کوشند و آرزو می کنند که انقلاب به پیروزی های باز هم بیشتری دست یابد و برای توده های دهها میلیونی خلقمان کاری بکنند . این پند و اندرزها به گوش کسانی نخواهد رفت که اسلام را وسیله دفاع از ملاکین و سرمایه داران ساخته اند . آنها همگی ظاهر ادم از " وحدت " می زنند ، اما منظور واقعی آنها از شعار وحدت ، وحدت حول سیاست ها و شعارهای خودشان است نه وحدت حول شعارهای انقلاب .

مگر نه این بود که بنی صدر و بطور کلی خط سازش نیز مدام نغمه وحدت سر می داد ، اما در عمل کار خود را می کرد ؟! او با شعارهای اساسی انقلاب موافق نبود او نمی خواست که با هیچیک از امپریالیست ها سازش نشود . درد او درد پابره نه ها نبود . بنی صدر در عمل می خواست که سرمایه داران و سرمایه داری حفظ شود و کسی به آن معترض نشود .

امروز همه نیروهای مدافع شعارهای اساسی انقلاب باید آرزو کنند که در برخورد با یکدیگر از تنگ نظری ، گروه گرایی و خود محور بینی پرهیز شود . همه آنها باید به یکدیگر یاد دهند که چگونه با بردباری و شکیبایی نسبت به یکدیگر با تحمل گوناگونی عقاید ( در حین آشتی ناپذیری با کسانی که شعارهای اساسی را مخدوش و بی بهاء می کنند ) می توانند دست در دست یکدیگر ، دوست باشند در ساختن کشور . به اعتقاد ما کسانی که اسلام را وسیله عدم تحمل تفاوت نظرهایی که زائیده مرحله رشد انقلاب است می سازند ، کسانی که اسلام را وسیله تحمل ( و اگر نگوئیم دفاع از ) ستم طبقاتی وحشتناکی که بر پابره نه های میهن ما اعمال می شود ساخته اند می کوشند

# هدف و وسیله

شریف باید با وسایل شریف دست یافت . در واقع نیز میان امر اخلاقی با امر موافق مصلحت نمی‌تواند تضاد بنیادی و سرشتی وجود داشته باشد . اعتلا بشری، ترقی انسانیت همان اخلاق است . اخلاق را از آن نمی‌توان جدا کرد هر امر ضد اجتماعی ضد اخلاقی است . به علاوه وظیفه یک انسان ، "مدیحه وضع موجود" و تسلیم در قبال حال نیست بلکه تکیه بر جنبش به پیش ، تکیه بر ترقی است ، یعنی تکیه بر آن چیزی است که در "آینده" نفع می‌یابد و می‌رسد . یعنی اخلاق نه تنها باید به سود انسان باشد ، باید به سود آینده باشد ، برد استراتژیک داشته باشد و به دور ننگرد . به قول مولوی :

پس مسافر آن بود ای ره‌پرست  
که مسیر و رؤش در مستقبل است

رفتار انسان هنگامی دارای ارزش اخلاقی خاص است که به چیزی در خیر بشر و آینده‌اش خدمت می‌کند والا رفتار به خودی خود ، دارای ارزش نیست .

بدین ترتیب می‌بینیم که مسئله هدف و وسیله و رابطه آن دو مطلبی است مهم و بفرخ و سخن ماکیاولیست‌ها ، زروئیت‌ها ، سودگرایان بورژوا و اراده‌گرایان و فردگرایان آناشیت ، که این همه سفسطه‌های ضد اخلاقی می‌کنند ، اصلا و ابدا ربطی به مارکسیسم ندارد . آنها مطلب را بکلی معشوش می‌فهمند و از درک مقولات "خیر" ، "شر" ، "وسيله" ، "هدف" ، "مصلحت" عاجزند .

باکونین ، ترتسکی ، ماثو ، مارکوزه و عده‌ای از این قبیل که خود را "انقلابی" می‌خوانند و می‌خوانند و حتی برخی از آنها خود را "مارکسیست" و "نئومارکسیست" می‌شمرند و می‌شمرند ، در درک مفهوم انقلابی بودن اعتشاش عجیبی ایجاد کرده‌اند و با اعمال و اقوال خود مارکسیسم و انقلاب را دگرگونه معرفی نموده و دانسته و ندانسته به حیثیت آن زیان رسانده‌اند .

دشمنان مارکسیسم نظریات این افراد را به مارکسیسم نسبت می‌دهند و حال آنکه انسان‌گرایی مارکسیستی مطلب را نه با تجرید اصول اخلاقی از تاریخ و تجربه انسانی مطرح می‌کند و نه با تبدیل اصول اخلاقی به فایده‌گرایی و اراده‌گرایی و مصلحت صرف سوداگرانه بلکه مطلب را در پیوند بفرخ دیالکتیکی ، تاریخی انسانی و سازنده آن در نظر می‌گیرد . شریف و آینده‌اش برایش مطرح است برایش مطرح است که در قبال دشمنان بشریت و محافظه‌کاران و مترجعین در شیوه عمل خود در عین آنکه می‌کوشد کار او ثمربخش باشد ، به حداکثر، انسانی و شریف عمل نماید .

وقتی برخی‌ها ، دانسته یا ندانسته روش‌های ماکیاولیستی عده‌ای از مدعیان انقلابی بودن (چپ آمریکایی) را به انقلابیون اصیل نسبت می‌دهند ، یا گمراهند ، یا شرارت می‌کنند و قصد تهمت‌زدن دارند . مارکسیست‌های اصیل از ماکیاولیسم به هر شکل که درآید به جان بیزارند .

روش انقلابیون اصیل مارکسیست ایرانی نمونه خوبی است از خدمت به هدف‌های شریف به انگاء وسایل شریف "صداقت ، شجاعت ، اصولیت ، میهن‌دوستی ، انسان‌دوستی" .

موجب خیانت به هدف می‌شود . در تاریخ نمونه‌های فراوانی را در این زمینه می‌توان شاهد مثال آورد .

در انتخاب وسایله ، فرد مسئولیت‌شناس انقلابی ، آزاد نیست . هر قدر آدمی خویشتن‌گرا خودراری ، تابع تمایلات خود و بی‌اعتناء به وظایف انسانی مصلحت‌های واقع‌بینانه باشد ، به همان اندازه از هدف درست دور می‌افتد . وسیله باید دارای اثر بخشی تاریخی باشد .

### هدف خوب (خیر) یعنی چه ؟

هدف خوب یا خیر ، هدفی است که در مصالح بشریت باشد و نه در امتیاز ناروای گروه معین . منظور ما از بشریت آن اکثریت مطلق انسانی است که تمدن فادی و معنوی را با زحمت پدی و فکری خود بوجود می‌آورد و نه کسانی که انگل‌وار از نتایج دسترخ دیگران گنج‌اندوزی می‌کنند .

هر وسیله‌ای که به این هدف خوب واقعا خدمت کند ، امری است موافق مصلحت ، امری است مجاز و روا .

البته آنچه که به "خیر عالی بشریت مولسد و آفریننده" باشد بالاترین خیره‌است . هر خیر و هدف نیک دیگری که با این خیر عالی در تضاد نباشد و سرانجام به آن خدمت کند ، آن هم به نوبه خود و در مقام خود هدف خوبی است . هر وسیله‌ای که به این نوع هدف‌های نیک درجه دوم و سوم و غیره ، خدمت کند آن هم وسیله‌ای است مصلحت‌آمیز و سودمند و روا .

لذا موافق نظرا ، آن وسیله‌ای اخلاقی و موافق مصلحت محسوب می‌شود که برای نیل به هدف ، اخلاقا مثبت ، ضرور و کارآ و کافی باشد به علاوه هدف اخلاقا مثبت هرگز با هدف عالی انسانی و خصلت شریف آن نباید در تضاد قرار گیرد .

اگر ما هدف‌های غلط (ضد بشری ضد اجتماعی ، ضد اخلاقی و ضد اصولی) را انتخاب کنیم کلیه وسایل ما (هر اندازه که این وسایل با دقت گزین شود) برای نیل بدان فاقد قدرت اصولی است ، لذا سرانجام شکست می‌خورد . مثلا امپریالیست‌ها بسیار مجربند و در انتخاب وسایل کار دقت کافی بخرج می‌دهند ، ولی سرانجام شکست می‌خورند ، زیرا هدف‌های آنها ضد بشری است .

اگر ما با وسایل ضد اخلاقی و ضد بشری عمل کنیم ، اصولی را که دعوی می‌کنیم نیک است و ما می‌خواهیم به آنها دست یابیم ، از قدرت و حیثیت می‌اندازیم و آن اصول را دچار شکست می‌کنیم . یعنی این کافی نیست که ما در مورد انتخاب هدف‌ها دقیق باشیم ، اگر وسایل کار ما (بدون یک دلیل خاص ناگزیرکننده) ناروا باشد ما را به سوی فلاکت می‌کشاند .

به همین جهت مارکس می‌گفت که به هدف‌های

مارکسیسم اصیل ماکیاولیسم نوو کهنه را رد می‌کند و میان هدف و وسیله رابطه متقابل قائل است .

بحث هدف و وسیله یک بحث بسیار قدیمی در فلسفه ، علم اخلاق و سیاست است . ولی به فیلسوف ایتالیایی ، ماکیاولی و نویسنده کتاب پرتس و "زروئیت‌ها" نسبت می‌دهند ، که گفته است : "هدف‌ها توجیه‌کننده وسایله" یعنی اگر هدف شما فی‌المثل هدف خوبی است ، مهم نیست چه وسیله‌ای را در راه نیل به آن هدف بکار می‌برید ، ولو این وسیله تنه‌کارانه و خدعه‌آمیز باشد .

در زمان‌های اخیر نیز عده‌ای "انقلابی" پیدا شدند که همین شعار را به شکل دیگری به میان کشیدند مثلا گویا باکونین آناشیت معروف روس است که گفت : "انقلاب همه چیز را مقدس و پاک می‌کند" او در راه انقلاب همه نوع ترور و خرابکاری را مجاز می‌دانست . رابطه میان هدف و وسیله در واقع مطلب بفرنجی است . در این رابطه واژه مصلحت پدید شده است . مصلحت ، یعنی کاری که به هدف خدمت می‌کند . مثلا می‌گویند "مصلحت چنین اقتضا می‌کند که سکوت کنم" و این جمله را هنگامی بکار می‌برند که اخلاق عسادی مثلا می‌طلبند که شخص به اعتراض و پرخاش دست زند حل صحیح این مسئله که چه کاری مصلحت است و چه کاری مصلحت نیست ، آن است که هر کاری که به هدف خیر خدمت می‌کند ، مصلحت است و هر کاری که به این هدف خدمت نمی‌کند و شر را تقویت می‌کند ، مصلحت نیست . کمی دیرتر توضیح خواهیم داد که خود واژه "خیر" و "شر" را چگونه باید فهمید .

در اینجا این مطلب پیش می‌آید که آیا بین هدف و وسیله رابطه وجود دارد ؟ آری ! رابطه متقابل وجود دارد . یعنی مسئله تنها این نیست که هدف وسیله را تعیین می‌کند ، بلکه همچنین این هست که وسیله نیز هدف را معین می‌کند . یعنی وقتی هدف خوب است ، نمی‌توان گفت وسیله‌ای که در واقع قادر است ما را بدان هدف برساند و وسیله‌گاری دیگری جز آن وجود ندارد ،

وسیله بدی است . وقتی وسیله بد است (یعنی ما را به هدف خوب نمی‌رساند) نمی‌توان آن را با سفسطه توجیه و تبرئه کرد . لذا بدرستی گفته‌اند که "هدف وسیله را تنها معین می‌کند ، ولی ابدا توجیه نمی‌کند" یعنی هدف به شما راه نشان می‌دهد ، نه اینکه شما هر راهی ولو بد ، و ضد انسانی را که دلنات خواست به ادعای رسیدن به فلان "هدف صحیح" طی کنید ، بعد هم مدعی شوید که چون هدف من خوب بود ، پس وسیله بدی هم که بکار بردم ، توجیه می‌شود حتی در صورتی که حق با شما باشد ، وسیله بد را هدف خوب توجیه نمی‌کند ، با آنکه ممکن است آن را ضرور و ناگزیر سازد . کاربرد وسیله بسد برای رسیدن به هدف صحیح

در حاشیه انفجار جنایتکارانه راه آهن و فروشگاه قدس

## باند های سلطنت طلب جنایت می آفرینند!

در صفحه ۱۲

## قانون را اجراء کنید رفقای ما را آزاد کنید!

● بازداشت رفقا مخی نیکپی و محمد جودکی که برای تحویل سلاح در ترکمن صحرا و استان لرستان به مقامات مسئول جمهوری اسلامی در این مناطق معرفی شده بودند ، یک اقدام غیرمسئولانه و خلاف قانون است .

به دنبال صدور اطلاعیه ده ماده ای دادستان انقلاب و در پی فراخوان کمیته مرکزی سازمان مبنی بر تحویل سلاح و دیگر وسائل نظامی به سپاه پاسداران ، اعضا و هواداران سازمان در سراسر کشور با استقبال چشمگیری به این فراخوان پاسخ دادند .

فراخوان سازمان که براساس شی اصولی و انقلابی فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) به منظور استقرار حکومت قانون و خنثی ساختن توطئه های جبهه براندازی بسرگردگی امریکای جنایتکار صورت گرفته بود در سراسر کشور با استقبال مسئولانه اکثر مقامات جمهوری اسلامی ایران مواجه شد . و تنها برخی از مقامات مسئول جمهوری اسلامی در پاره ای از مناطق به جای استقبال از اقدام انقلابی و متعهدانه ما در روند تحویل سلاح و تلاش ما برای استقرار حکومت قانون ، خودسرانه دست به کارشکنی زدند .

از جمله در استان لرستان و در منطقه ترکمن صحرا رفقا مخی نیکپی و محمد جودکی که از جانب سازمان رسماً به مقامات مسئول محلی معرفی شده بودند تا در تحویل سلاح های هواداران به ارگان های مسئول جمهوری اسلامی با مقامات محلی همکاری نمایند ، خودسرانه بازداشت و تاکنون در زندان بسر می برند .

محمد جودکی نزدیک به یک ماه پیش توسط سپاه پاسداران شهرستان بروجرد احضار و از آنجا به زندان خرم آباد فرستاده می شود و مخی نیکپی تقریباً بیست روز پیش توسط کمیته خلع سلاح گنبد بازداشت می گردد .

دستگیری این دو رفیق یک نقض آشکار قانون از سوی مسئولین محلی است و این در حالی صورت می گیرد که در اجرای رهنمودهای پی در پی امام خمینی داستان کل کشور و دادستان انقلاب ، اجرای بدون خدشه اطلاعیه ده ماده ای را مکرراً مورد تایید و تاکید قرار داده اند .

ما ضمن اعتراض به بازداشت های غیرقانونی اعضا و هواداران سازمان به نتایج مخرب و انقلاب شکنانه این دستگیری های غیرقانونی هشدار داده و آزادی تمام رفقا از جمله ، مخی نیکپی و محمد جودکی را خواستاریم .

ما همچنین نسبت به بازداشت غیرقانونی محمد مهدی عبدی لسانی در ارومیه از فدائیان خلق اکثریت به جرم واهی همکاری با گروهک ضدانقلابی " پیکار " اعتراض می کنیم و خواهان آزادی نامبرده می باشیم .

## چه کسانی مار در آستین می پرورند؟!

● اصرار در دشمنی با طرفداران راستین سوسیالیسم علمی . به خیانت به مردم ، خیانت به انقلاب و دوستی با امریکای جنایتکار می انجامد .

شد که مقصود آنها چیزی جز به سازش کشاندن انقلاب با امپریالیسم آمریکا ، جلوگیری از گسترش و تعمیق انقلاب نبوده است .

دولت موقت بازرگان ، امیرانتظام ها ، قطب زاده ها ، صادق ها ، کشمیری ها ، کلاهی ها ، بنی صدرها ، رجوی ها و ... همه شان در دشمنی با توده های و فدایی اکثریتی اصرار داشتند . و در هر مجلس و محفلی از جمله کارهای همشکلی شان نسبت به تحقیر و افترا به توده ای و فدایی ( اکثریت ) بود . انقلاب اثبات کرده است که همه جنایتکاران از دشمنان انقلاب ، همه کسانی که با نیت دوستی با انقلاب

بقیه در صفحه ۱۴

ایران دلایل کافی برای اثبات این حکم فراهم آورده است . از نخستین روزهای پیروزی انقلاب تاکنون مردم ما جریان ها و شخصیت های بسیاری را شناخته اند که به نام اسلام و انقلاب و زیر عنوان دفاع از دستاوردهای انقلاب علیه توده های و اکثریتی شمیر تیز کردند . آنان را دشمنان انقلاب قلمداد کردند و از جمهوری اسلامی سرکوب آنها را طلب می کردند ، ولی دیگری نباشد که سراز آخور امریکای جنایتکار درآوردند و معلوم

این قانون هر انقلابی است که برای آنکه ماند و تحکیم یابد باید دوستان و دشمنان خود را بدرستی شناسد ، جبهه دوستان و مدافعان انقلاب را استوار و یولادیس سازد و جبهه دشمنان انقلاب را قاطعانه در هم شکند . مخدوش کردن سرز دوستان و دشمنان انقلاب با هر نیتی که صورت گیرد به معنی تضعیف انقلاب ، تقویت جبهه دشمنان انقلاب و نهایتاً تدارک شکست انقلاب است . گذر ۲/۵ ساله انقلاب

## انگس که بیست منبجومی گنبد در میدان راه آهن

ممل همان کسی است که باک آدم بی تقصیر را

سازد است می گنبد (حجت الاسلام رهنما)

در صفحه ۱۴

## نگذارید کلاسهای "ایدئولوژی اسلامی" به وسیله ای برای تبلیغ اسلام امریکائی تبدیل گردد

مورد تردید و سؤال نیست . تبلیغ اسلامی که سرازات حق طلبانه محرومین و مستضعفین جهان مهر روشن اندیش خط امام است .

برگزاری جلسات ایدئولوژیک و تبلیغ اسلام ، اسلامی که مراد و منظور مسلمانان مبارز و نیروهای واقع بین و روشن اندیش خط امام است .

مدتی است در برخی از مناطق آموزش و پرورش تهران کلاس هایی تحت عنوان کلاس های ایدئولوژیک و " شناخت اسلام " تشکیل می شود .

بقیه در صفحه ۱۵

# پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر